

ما می دانیم که فرهنگ روح ماست. هویت و شناخت چگونگی بودن ماست. پس تنها کسانی حق قضاوت درباره مسایل اجتماعی ما را دارند که ایرانی باشند، ایرانی بیندیشند، در اینجا زندگی کرده باشند و ایرانی احساس کنند.

اتحاد بزرگ

شماره ۲۴ پنجشنبه ۴ مرداد ۱۳۵۸

تک شماره ۱۵ ریال

هم میهن
هفته نامه جبهه ملی ایران،
هیچگونه بستگی با سازمان
کنونی جبهه ملی ندارد

ادامه تو طئه ها فاجعه آفرین است

چه عواملی مردم را با داشتن عمیق ترین احساس نسبت به انقلاب، بدبین می کنند؟ آیا از اشتباه دیگران و خودمان نباید پند بگیریم

توطئه ها بطور جدی شکل می گیرند، هرروز در رسانه ها مردمی که پس از انقلاب امید به آرامش داشتند با خبرهایی از حوادث نقاط مختلف کشور روبرو می شوند که بهر حال نمی تواند برای آنها بدون تشویش باشد و ادامه این هراسها راههای متنوع را در نظر می آورد و در نتیجه وحدت اصلی همانطور که بیشتر مسئولان متوجه شده اند در حال تغییر شکل است. مردم برای آنچه که حق خود می دانستند شعار واحد استقلال آزادی، جمهوری اسلامی را بر گزیدند و اختلافات مسلکی و عقیدتی را بگوشه ای نهادند.

ولی پس از پیروزی انقلاب معلوم نیست که سیاستهای پشت پرده یوسیله چه عواملی برای انحراف نهضت از راه اصلی آن اعمال می شود و چرا در مناسبترین موقع شعارهایی طرح می شود که موجب تفرقه و تشتت است و مردم را با داشتن عمیق ترین احساس نسبت به انقلاب بدبین می کنند.

فروهر در مصاحبه مطبوعاتی گفت بر طبق رهنمودهای دکتر مصدق

همچنان به اندیشه جبهه ای وفادارم

داریوش فروهر دبیر حزب ملت ایران ضمن اعلام اسامی کاندیداهای این حزب در پاسخ پرسش یکی از خبرنگاران گفت همچنان به اندیشه جبهه ای بر طبق رهنمودهای دکتر مصدق وفادار است، فروهر گفت کسانی که درباره روند تصویب قانون اساسی اظهار نظرهای زدرست می کنند فرض خاصی ندارند این مجلس را نیز مجلس موسسان ندانستند و برای آن نامهای دیگر شناختن خدمت به انقلاب و دستاوردهای آن نیست.

فروهر در مورد مجلس موسسان گفت این مجلس هم مانند مجلس موسسان است یعنی هم نمایندگان بطور مستقیم و از سوی ملت انتخاب می شوند و هم تمام گروههایی که می توانند رای بدهند و حتی نیروهای سگانه ارتش و قوای انتظامی

خطر جای دیگری است

آنها که دیروز را بر تابلوهای رنگارنگ رقم می زدند، نغمه پرداز انقلاب شاه بودند و هر روز با کلامی تازه به وصف شعر گونه ای نظامی که خون عزیزانمان از سرپنجه اش فرو می چکید، می برداختند. تا آنکه بار سنگین گناه یاری آن جلدان را سبک کنند، درست با همان سلاح کثیف و چندش آور به میدان مطهر انقلاب قدم گذاشته اند و هر روز با طرح مساله های نابجا لطمه های تازه می زنند و ظفای نو می افکنند. آنها که هنر را به پندال کشیدند و تا درجه ای مطربهای روی حوضی موسیقی غنی ما را پائین آوردند و هر بی هنر رقاصی را برجایگاه بلند هنرمند نشانند، امروز داعیه دار دفاع از هنر و ادب شده اند و با چهره ای نو، با لباس تازه و کلماتی

بسیاری از مشکلات را کسانی بار آوردند که آگاهانه قصد آسیب رساندن به انقلاب را داشتند

که تنها در ذهن چاپلوسان پخته و برداخته می شود. به میدان آمده اند. وقتی به این جنبه های کثیف و خالی از صداقت می اندیشی راستی در اینستکه دلت را نمی تیرود جانگناه می فشرد و انقلاب را دچار لنگسی می بینی!! ما نتوانستیم جامعه را از فحشهای آن آلودگنرها نجات بخشیم و ذهنها را متوجه چیزی بزرگتر از خوردن تمایب سازیم نتوانستیم فسرتهای

یکی از مهمترین علل انقلاب ایران در میان علل دیگر عدم اعتماد عمیقی بود که مردم نسبت به دستگاه حاکمه زمان نشان می دادند. کمتر کسی حتی آنها که خود مصدر کاری بودند به آنچه که گفته می شد اعتقاد داشتند. وعده و وعیدها، قول و قرارها که اغلب با تیر

کاندیداهای حزب ملت ایران

- الف - استان تهران ۱- حاجت الاسلام و المسلمین حاج سید عبدالمجید ایرانی ۲- آقای پرویز برومند ۳- آقای خسرو سیف ۴- آقای علی صدیقی ۵- آقای اسماعیل فاضل پور ۶- خانم پروانه فروهر ۷- آقای منوچهر مسعودی ب - استان خراسان ۱- آقای محمود اردکانیان ۲- آقای حسنعلی صادم کلانی ۳- آقای جواد خدخالی عضو فراکسیون نهضت ملی در دوره ۱۷ مجلس شورای ملی ۴- آقای خسرو بنامی ۵- آقای غلامحسین دهنده شتی ج - استان اصفهان ۱- آقای دکتر احمد قیصری ۲- آقای مهندس احمد یزاقی ۳- آقای سید علی حسینی ۴- آقای سید حسین آیت الهی ۵- آقای خسرو قشقایی عضو فراکسیون نهضت ملی در دوره ۱۷ مجلس شورای ملی ۶- آقای دکتر صدراالدین محلاتی ۷- آقای خلیل خلیل پور ۸- آقای مهندس شمس الدین غروی - عضو فراکسیون نهضت ملی در دوره ۱۷ مجلس شورای ملی ۹- آقای علی اصغر بهنام ۱۰- آقای دکتر ناصر تکمیل همایون د - استان زنجان ۱- آقای دکتر ناصر تکمیل همایون ۲- آقای خسرو قشقایی عضو فراکسیون نهضت ملی در دوره ۱۷ مجلس شورای ملی ۳- آقای دکتر صدراالدین محلاتی ۴- آقای خلیل خلیل پور ۵- آقای مهندس شمس الدین غروی - عضو فراکسیون نهضت ملی در دوره ۱۷ مجلس شورای ملی ۶- آقای علی اصغر بهنام ۷- آقای دکتر ناصر تکمیل همایون ۸- آقای دکتر ناصر تکمیل همایون ۹- آقای دکتر ناصر تکمیل همایون ۱۰- آقای دکتر ناصر تکمیل همایون

اصالت ملی را در وحدت باز یابیم

گران کینه و نو وارد آورد و روحان سیاستهای جهانی را مدتها دچار سردرگمی نمود. ملت ایران یکپارچه و یکصدا با انتخاب راه شهادت و شهادت - لاله الااله دست در دست هم با مشتای گره کرده به استقبال خیابانها غلغله تا سر انجام انقلاب در آستانه پیروزی قرار گرفت، هر گلوله ای جوانی را از پای درآورد و هر قطره خون جوانان وطن کلمه ای از آزادی و استقلال را بر صفحات زردین حیات ملی نقش بست. رمز پیروزی در وحدت همصدائی و همگامی بود. ملت ایران با ایثار و قربانی جوانان خویش استقلال و آزادی را بدست آورد، بدین امید که برای همیشه دست جباران و ستمکاران را قطع و ریشه های پلید استعمار در سر زمین خدائی ما خشک گردد. اما چه شد که اینک از هر گوشه جفندان شوم نوای تفرقه ساز میکنند؟ چه شد که وحدت ما در هم ریخت؟ چرا رهبر در هر گردهم آیی و هر دیدار بر «وحدت کلمه» تاکید و پا می- فشارد؟ این چراها امروز همه جا در کوچه و بازار، در هر مغفول مجلس مورد سؤال و پرسش قرار

سازمان سیا در ایران تشکل دوباره می یابد

نشریه «کانتراسپای» در شماره آوریل و مه ۷۹- برابر با اردیبهشت و خرداد ماه ۵۸- ضمن بیان نکاتی در باره فعالیت سیا در انونزی و افغانستان به عملیات این سازمان در ایران اشاره می کند و علاوه بر شرح فعالیت اعضای سازمان سیا در کودتای ۲۸ مرداد در مورد ماههای قبل از انقلاب اسلامی ملت ایران و نقش سیا و همکاران این سازمان در حفظ و نگهداری ارتش برای حمایت از بختیار، نقشه حمله به سفارت امریکا برای پیاده گردن نیرو مطالبی را عنوان می کند و چنین نتیجه می گیرد که سازمان اطلاعاتی سیا مشغول دوباره شکل گیری در ایران است متن کامل فعالیت سیا که در این نشریه

بازی با آتش، دیپلماسی تازه امریکا

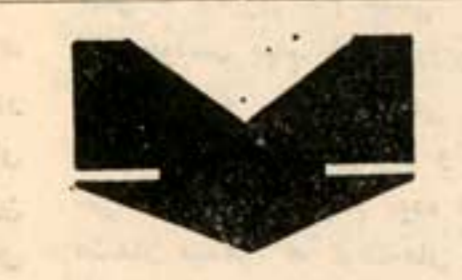
کاخ سفید آمریکا هفته پراکتیبا را پشت سر گذاشت زیرا پس از شکستهای سیاسی و اقتصادی متعدد، جیمی کارتر و کابینه اش در معرض سقوط قرار گرفتند. ولی صدراعظمین کاخ سفید با یک تاکتیک سرگرم کننده سعی بر آن داشتند که بازهم کارتر را بعنوان ریاست جمهوری امریکا با ترمیم در کابینه ایالات متحده امریکا حفظ کنند. به گفته بسیاری از آگاهان سیاسی آنچه کارتر را با خطر روبرو کرد بحران انرژی و رده آوردهای انقلاب ایران بود که ضربه مهلکی بر دیگر دیپلماسی کاخ سفید وارد کرد.

شما هنوز هم به این ملت بدهکارید

کجااید آقایان مسوول، آگاه، مبارز و خیراندیش؟ شما روز اول، مختار بودید و مخیر که زندان و مبارزه را برگزینید یا کنج عافیت و راه «رستگاری» را... اما امروز مختار و مخیر نیستید شما در برابر یک ملت غارت شده، به معنای عمیق و واقعی کلمه قرار دارید سخن من از اندیشه و قضاوت و شهادت است. از این ملت سالها و سالها و نسلها در پی نسلها با چبر و زور و تهدید خواسته شده است سازش کند، هورا بکشد، صحیح است بگوید و سؤال نکند، تردید نکند و بپذیرد که هر چه پیش آید خوش آید... اگر به برکت مبارزات بی گیر و به قیمت جان گروهی که رفته اند و به بهای زجرها و محرومیت های آنها که مانده اند، امروز مجالی برای نفس کشیدن و دین و شیندن می- باشد، دریغ و درد بر شما اگر به هر علل و بهانه ای تمناش بگذارد

آقای بازرگان تبعیض چرا

سفر تاریخی شیخ محمد منتظری و بازگشت بدون دغدغه ایشان معنای است که هنوز مردم را بسخود مشغول می دارد. در پی ماجرای شرم آور فرودگاه که این انسان پاک سرشت با زیرک اصلی «مخته» آن بود اعلام شده که از سوی نخست وزیر دستور جلب او صادر شده است، ولی پس از چندین شیخ معتمدنظری در پی مذاکراتی که با مقام های لیبی و بقولی چند کشور خلیج فارس داشت این بار نیز از طریق پانه ۳ فرودگاه بین المللی مهرآباد وارد کشور شد البته قنصلداران ایشان در خارج از محوطه فرودگاه کاملا بر اوضاع مسلط بودند که مبادا گزند وجود نازنیشان را آسیب رساند. این ماجرا را چگونه می توان توجیه کرد آیا وابستگی یک فرد به جامعه روحانیت چنین اجازتهای به او می دهد یا آنکه دیوات و نیروهای انتظامی ما مملکت هنوز بدست نیاورده اند. بهر حال در هر دو صورت زیرا گداختن قوانینی که مورد احترام مردم است و تجاوز به حدود و سفور بقیه در صفحه ۸



در صفحات دیگر صفحه ۲ مصدق فراتر از تاریخ صفحه ۳ بگذارد دردم بزند صفحه ۴ موزه های ویرانه را آباد کنیم صفحه ۵ رغروران راه حقیقت گداندند!

نیکاراگوئه بعد از سه روز مار کس و نیکاراگوئه

یکی از مهم‌ترین اعضای کادر رهبری «جی. جی. پی» ویکی به نام «توماس پورول» است که یکی از شکل دهندگان اولیه جبهه «ساندنیست» می‌باشد. یکی از خصائص وی این است که او هیچگاه متعهد خود را پنهان نگه نمی‌دارد. آقای «پورول» در مصاحبه‌ای در بیمار گذشته گفت: «امیرالیزم آمریکای شمالی بیم آن دارد که یک تغییر انقلابی در نیکاراگوئه، ترکیب ژئوپلیتیکی آمریکای مرکزی را بهم می‌زند لیکن به جای یک انقلاب دمکراتیک و ملی یک طرح سوسیالیستی کامل را پیشنهاد می‌نمایم.»

«پورول» که در سال ۱۹۷۳ از سازمان «جی. جی. پی» جدا گشتند یکی از سه دسته‌ای هستند که ظن ناظران در مورد روابط آنها با رژیم‌های مارکسیستی خارج بسیار قوی است. عرسه رهبر این گروه سیاسی از افرادی هستند که یا از فدائیان دست چپی هستند یا کسانی که تحصیلات خود را در کشورهای کمونیستی کرده‌اند!

سازمان «ترسوستا» (قدرت سوم) بزرگترین و میانه‌روترین سازمان سیاسی در حال حاضر است. این سازمان که از نظر مالی بسیار خوب تقویه می‌شود تاکنون یک ارتش ۷۰۰۰ نفری از چریک‌های «ساندنیست» تشکیل داده است. رهبر این گروه که خود را شدیداً غیرکمونیست می‌



دانیل ارتگا

هفته گذشته به دنبال ماهی چنک و خونریزی رژیم سوموزا سقوط کرد و چریک‌های «ساندنیست» بعد از مذاکرات و گفتگوهای خود با دیپلمات‌های امریکای لاتین و امریکای شمالی قدرت را به دست گرفتند. دولت بازسازی ملی که متعاقباً به روی کار آمد برنامه ۲۱ صفحه‌ای بازسازی خود را منتشر کرد که بر روی کاغذ بسیار میانه‌رو می‌نمود.

مساله برسر این است که ارزش این کاغذها چیست. شورای پنج نفری چریک‌ها فقط دو عضو رادیکال چپ دارد حال آنکه اطلاعاتی که از منابع آگاه امریکای لاتین رسیده حاکی از این است که رهبران ملی که اداره نیروهای چریکی را به عهده دارند بسیار تندروتر هستند. بعضی از اعضای دولت دولت مارکسیست‌هایی هستند که با کوبا رابطه‌ای انکارنشده‌ای دارند.

«جی. جی. پی» که از قدیمیترین گروه ساندنیست نیکاراگوئه است در اوایل دهه شصت به تحریک کوبا در مناطق کشاورزی و روستایی شکل گرفت. پس از سقوط رژیم «سوموزا» این سازمان امید آن دارد که روابط خود را با میانه‌روها قطع نموده و احزاب رادیکال روابطی تازه پریزی کند.

داند هیچگونه رابطه‌ای با مارکسیست‌ها ندارد. لیکن قدرت اصلی در پشت پرده تهایل به چپ نشان داده است. «دانیل ارتگا» یکی از دست چپی‌های دولت موقت نیکاراگوئه است. (دیگری یک مهاجر فلسطینی از نوار غزه به نام «حسن مرالز» می‌باشد.) «ارتگا» قدرت رهبری سازمان «ترسوستا» را برادرش که رهبر حزب کمونیست دانشگاه نیکاراگوئه بوده، تقسیم می‌کند. برادرش که مدتی در کوبا تعلیمات جنگی چریکی می‌دیده برای مدتی نیز به «پراک» رفته و تعلیمات تروریستی دیده است. سومین رهبر این سازمان که بعد از «پورول» از عالیقدرترین رهبران به‌شمار می‌رود در دهه ۶۰ به حزب کمونیست مکزیک پیوست. وی از کوبا نیز دیدار کرده و هیچگونه رابطه خانوادگی با نیکاراگوئه ندارد.



حسن مرالز

سیاستمداران محافظه کار و میانه‌رو تنها به این امید هستند که چریک‌های مارکسیست برای به دست گرفتن اوضاع به زور متوسل نشوند. هرچند که کادر رهبری زیربنایی مارکسیستی دارد لیکن اینان امید بر این دارند که در انتخابات پیروز شوند. اما چنین به نظر می‌رسد که مارکسیست‌ها هرچند هم که خواهان دمکراسی باشند، دوستان غربی آنها را احاطه کرده‌اند. هفته گذشته یک هواپیمای چارتر از بیروت به مقصد «کوستاریکا» به پرواز در آمد. در تونس کتف شد که معموله این هواپیمای به جای دارو و غذا و پوشاک سی تن وسایل نظامی ساخت چین است.

در حال حاضر سازمان سیاسی - نظامی «ساندنیست» ها و کادر رهبری آن در پی پیاده کردن یک برنامه میانه‌رو هستند. انقلابیون در برنامه خود بروی یک سیاست بی‌طرف و مستقل خارجی و آزادی‌های مرزی

کادر رهبری، یک هیات قانونگذاری ۳۳ نفره مرکب از تجار، رهبران کلیسا و دیگر میانه‌روها تشکیل دادند.

در اعلامیه انقلابیون آمده است که نیروهای کادر ملی یا می‌توانند به ارتش

تاکید دارند. در برنامه اقتصادی شان هدف این است که اموال «سوموزا» را ملی کنند لیکن سایر سرمایه‌گذاران بی‌ساز و بخش خصوصی را حمایت نمایند.

چریک‌های «ساندنیست» در پی فشارهای ایالات متحده و کشورهای امریکای لاتین در مورد گنجاندن افراد میانه‌رو در

انقلاب سوسیالیستی از یک انقلاب دهوگرا تیک بهتر است رهبر سازمان در جی جی پی

چهار هزار نفر باقیمانده این گارد را نیز تار و مار کنند. چند روز پیش در یک برنامه رادیویی یکی از رهبران «ساندنیست» که در شمال نیکاراگوئه هنوز در حال جنگ است فریاد برآورد که ما هستیم که به

خاطر دمکراسی می‌جنگیم نه آنها نیکه در «ماناگوا» هستند. این خود به رهبران میانه‌رو نشان داد که پیاده کردن برنامه‌های اسلام شده از سوی آنها در آینده آنچنان هم خالی از برخورد و مقابله با گروه‌های افراطی نیست.

فرزبانان آزاد گارد ملی «ماناگوا»



مرکوبی نظارات

بگذارید دارم بزنند

معنی نیست که در آینده نیز از هرگونه اتهام از جمله دست درازی به بیت‌المال ملت و سوء استفاده از قدرت بدور بمانند.

پاکستان همیشه زندگی سیاسی بس پراشوب داشته و در طول تاریخ همواره حکومت‌های مردمی به وسیله کودتاهای نظامی از میان برداشته شده. آیا شما فکر می‌کنید

برای اولین بار صاحب‌های اختصاصی با ژنرال ضیاء الحق

کس بتواند در این طرح یکتا و تغییر دهد؟

من یک رشته طرح و برنامه دارم که مایلم قبل از ترک قدرت آنها را به انجام برسانم. یکی افزایش قدرت رئیس جنسور است که در قانون کنونی چیزی جز یک مهر-کننده قوانین نیست، شخصی که تنها کارش تایید گفته‌های نخست وزیر است. طرح من این است که به رئیس جنسور قدرتی

شکافی که بین شوروی و چین بوجود آمد عمیق و غیرقابل جبران است. هرگونه تردیدی در این مورد با وقوع جنگ هند و چین در سال گذشته از بین رفت. حقیقت دارد که چین به گرمین پیشنهاد مذاکره داده ولی ناظرین بر این عقیده هستند که این حرکتی به معنی توخالی بیش زوده است. چینی‌ها گفتارند قرارداد دوستی بین شوروی و چین که سال آینده به پایان خواهد رسید، تجدید نخواهند کرد.

اما یک برآورد صد در صد بدبینانه در مورد اوضاع هند و چین نیز کار صحیحی



سربازان چینی هنگام حمله به ویتنام

از «آندر و نگر و سکی» سردبیر بین‌المللی نیوز ویک هابیل و قابلهای مار کس!

تغواهد بود. بعد از صحبتهای طولانی که با دیپلمات‌های چین در یکن داشتم، اینطور در یافتم که مذاکرات بین دو کشور بزودی شروع می‌شود. یکی از سیاستمداران اروپای شرقی بر این عقیده است که نباید از این مذاکرات نتیجه‌ای خاص انتظار داشت ولیکن همین خود قدمی در راه بهبود بخشیدن روابط

از دیدگاه دیپلمات‌های اروپای شرقی تغییر در سیاست خارجی چین سه عامل عمده دارد.

۱- ژئوپولیتیک: به علت اختلافات و خصومت بین چین و شوروی، امریکاهل بسیاری برای مانورهای سیاسی خود در روابط ابرقدرتها دارد. دهر شرایط امریکا به منظور رسیدن به هدفهای خود یا می-تواند کارت شوروی و یا کارت چین را رو کند. چین که خود نیز این موضوع را دریافته و می‌خواهد که از این تله کلاهی نیز برای خود بپوزد در مذاکرات تابستان خود با شوروی بر این است که از دو اختلاف عمده خود که یکی در مورد سرحدات مرزی و دیگری خروج نیروهای روسیه از



از زمانی که ضیاءالحق در اورسل

گذشته بر تو را به دار آورید. حزب مردم که بو تو بنیانگزارش بود مجبوریتی خاص یافت تا آنجا که بسیاری از ناظران عقیده دارند که اگر انتخابات عمومی برگزار گردد، این حزب به قدرت خواهد رسید. با علم به اینکه دولت جدید وی را محاکمه خواهد کرد، ژنرال ضیاءالحق قصد بسرگزاری انتخابات عمومی را دارد.

اینک مصاحبه استثنائی آقای «کلینتن» خبرنگار نیوزویک با ژنرال ضیاءالحق.

* اخیراً ایالات متحده تصمیم بر این گرفته است که کمک‌های خود در مورد گسترش نیروگاه‌های اتمی پاکستان را قطع کند. آیا شما درحال ساختن پمپ اتمی هستید؟

نه. برنامه‌های اتمی ما در راه بسط استفاده‌های صلح‌جویانه از نیروی اتم و تامین انرژی پاک هستند. من حتی اجازه داده‌ام که کارشناسان من از مراکز هسته‌ای ما بازدید نمایند. ولی این امر نباید که صرفاً یک طرفه باشد. مراکز اتمی هند نیز باید بازدید شوند. آنها حتی یک انفجار هسته‌ای انجام داده‌اند ولی هیچکس اعتراضی نکرده است.

* آیا همانطوری که گفته‌اید اسامال انتخابات را برگزار خواهید

گزارش کمیته زبان شناسی
کلمه فارسی است کشور زبان رسمی و ملی
زبان فارسی است و باید باشد و باید در
همه جا در مدارس و دبیرستانها تدریس
شود. در مناطقی مانند کردستان و بلوچستان
و غیره که لهجه‌های غیر از فارسی زبان
تکلم مردم است نیز در صورت تمایل
اعمالی منطقی میتوان این لهجه ها را در
مدارس دبیرستانها آموزش داد اما آموزش
این نوع لهجه ها باید پایایی زبان فارسی
صورت بگیرد. البته جزئیات این مسئله
محتاج بررسی است. جهت جزئیات و مطالعه در
نحوه کار و استفاده از تجربیات کشور
هایی است که با این مسئله مواجه
هستند.

در مورد برنامه فرهنگستان زبان ایران
اعضای کمیته به این نتیجه رسیدند که
موارد زیر میتواند جزء برنامه فرهنگستان
زبان ایران قرار گیرد.
۱- واژه سازی - در این مورد گفته شد
که واژه سازی، برعکس روشی که تاکنون
در فرهنگستان از آن پیروی میشده باید
از کلیه عناصری که امروز در زبان فارسی
رایج است استفاده شود، و عرای اصل این
عناصر فارسی باشد خواه عربی و خواه
ترکی یا نیز آن، چنانکه در گذشته واژه-
هایی مانند «داوطلب» و «تماشاجی» و غیره
که یک جزء آن فارسی الاصل و جزء دیگر
عربی یا ترکی است ساخته شده و در میان
فارسی زبانان بدون هیچگونه پیشداوری
نسبت به آنها رایج و متداول است. نکته‌ای
که در این مورد عنوان شد این بود که
در واژه سازی زبانی زبان باید فراموش
نشود و در ساختن کلمات جدید بیشتر از
قواعد و الگوهای سنتی استفاده شود که باعث
بیشتری دارند و برای اهل زبان مفهوم تر
است

۲- بررسی تلفظ زبان فارسی - در این
مورد باید تلفظ فارسی تهرانی و فارسی-
های شهرستانی بررسی شود و تلفظی
که طبیعی تر است برگزیده شود. البته
منظور این نیست که تلفظ های شهرستانی
ملاک قرار گیرد. بررسی تلفظ های -
فارسی ستونی میتواند کمک به شناخت تلفظ
شهرستانی می کند. اگر در مواردی دویا
سه تلفظ برای کلمه‌ای وجود دارد همه
آنها پذیرفته شود نظر «عمران» در این
مورد دستورالعملی در فرهنگستان زبان
وجود دارد که باید با جرح و تعدیل مورد
استفاده قرار گیرد.

۳- نظارت بر تلفظ رادیو و تلویزیون -
با توجه به این نکته که بعلمت ضعف آموزش
زبان فارسی در گذشته، تعدادی از گویندگان
رادیو و تلویزیون از نظر زبان فارسی
ضعیف هستند و کلمات را غلط تلفظ
میکنند و بعلمت نفوذ این دستگاهها این
تلفظ های غلط بسرعت شایع میشود.
فرهنگستان باید بر این دستگاهها نظارت
آنان توصیه نماید.
۴- بررسی خط فارسی - فرهنگستان
باید پژوهشهایی برای بررسی خط فارسی
و گونه های مختلف املاهی کلمات داشته
باشد.

۵- بررسی دستور زبان فارسی - فرهنگستان
باید یک بررسی یادو بخش آن در بررسی زبان
فارسی و حال اختصاص دهد.

۶- بررسی لهجه ها و گویشهای فارسی-
بررسی لهجه ها و گویشهای فارسی باید
چنان مورد نظر باشد، بویژه که بسیاری
از این لهجه ها و گویشها در حال فراموشی
است. با توجه به امکانات موجود و
دستگاههایی مانند آزمایشگاه فونیتیک
موجود در فرهنگستان باید به بررسی
فونیتیک این لهجه ها پرداخت و لهجه ها
از همه نظر مورد بررسی قرار گیرند.

۷- تأسیس انجمن ترجمه - فرهنگستان
باید یک بخش ترجمه داشته باشد که
مترجمین زیر دست در آن به کار بردارند
یا برای ترجمه کتابهای علمی با آن قرارداد
به بندند. در ضمن باید از مترجمین زیر-
دست برای آموزش مترجمین جدید استفاده
کرد و کلاسهای در زمینه روش ترجمه در
آنجا دایر کرد. همچنین پیشنهاد شد
بنگاه ترجمه و نشر کتاب که سابقا وابسته
به بنیاد پهلوی بود اکنون در بالاترین سطح
بسر میرود با کلیه وسایل و کارمندان آن
در اختیار فرهنگستان قرار گیرد. ضمنا
موسسه ترجمه دائره المعارف اسلام که به
«موسسه دانشنامه ایران» و اسلام معروف
است و وابسته به بنیاد پهلوی در اختیار
این بخش قرار گیرد.
از جمله پیشنهادات مفیدی که در این
جلسه از طرف بعضی از حاضرین مطرح
شد تفکیک فرهنگستان زبان از وزارت
فرهنگ و الحاق آن به دانشگاه بود.

چهار گزارش طرح شده در مجمع علمی مشاوره و تبادل نظر درباره فرهنگ ایران

موزه‌های ویرانه را آباد کنیم

پیشنهاد شد همانطوریکه موسسه لغتنامه:
دهخدا وابسته به دانشکده ادبیات است
دو فرهنگستان زبان و ادب که در گذشته
بعملی تابع وزارت فرهنگ و هنر بوده
است به دانشکده ادبیات تهرانی وابسته
شوند تا یکی زیر نظر گروه زبان شناسی و
دیگری زیر نظر گروه ادبیات فارسی کار
کنند و اداره شوند. این پیشنهاد بیشتر
از این نظر حائز اهمیت است که بیشتر
محققین که در فرهنگستان زبان کار می-
کنند یا استاد رشته زبان شناسی دانشگاه
تهرانند و یا فارغ التحصیل آن و گروه
زبان شناسی دانشگاه تهران است که باید
تأمین کننده معیشت و کادر های فرهنگستان
باشد.



کمیته تاریخ و اجتماعات
اکنون که در پرتو انقلاب آزادی
اندیشه و بیان فردی آمده، در آنچه به
تاریخ نویسی ارتباط دارد میبایست تجدید
نظری در طرز جمع آوری اسناد و در تحلیل
و تفسیر رویدادها به عمل آید. در این
تجدید نظر میبایست نقش قاطع گروه-
های ملت و وضع زندگی آنها در ایجاد و
توسعه تمدن و فرهنگ ایرانی تحت الشعاع
شخصیت ها و سلسله ها قرار نگیرد و در عین آنکه
تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی و مقتضیات
مربوط به زبان و نژاد و اقلیم و جنبشهای
مختلف و حتی کشمکش های گروههای
مختلف و حتی کشمکش های گروهها در
ایجاد هویت ملی مورد توجه واقع میشود

سهمی را که دین و اندیشه های مذهبی در
استمرار نهاد های اجتماعی و در تکوین
فرهنگ ایرانی داشته است به نحو-
شایسته‌ای مورد توجه مورخ قرار گیرد.
برای نیل به این مقصود شناخت تاریخ
ملی ایران، با استفاده دقیق و کامل از
تمام مآخذ و اسناد و مکتوب و غیر مکتوب
و سعی در استخراج و تفسیر علمی جمع
محتویات آنها ضرورت قطعی دارد و شک
نیست که در جمع آوری و تفسیر این اسناد
چون پای حیثیت و هویت ملی در میان
است توجه دقیق به میزان ضبط و عدالت
مراجع این اسناد و تحقیق در اینکه برخی
از آنها منحصرا در اصل گواهی های
خویش، منحصرا به نقل غریب یا جعل
اخبار مبیح، یا تخطئه و تأیید اشخاص
و جماعات را در نظر نداشته‌اند و از روی
علم و خجرت و عدل و نفاق به نقل و ضبط
اطلاعات و روایات پرداخته‌اند یا نه. ضرورت
تام دارد و البته همین ضرورت تا دقیق،
از مورخ امروز رویدادها، از هر گونه
حوادث و تصویب رویدادها، از هر گونه

پیشداوری، هر گونه هیجان، و هر گونه
سوغظن بیجا خودداری کند. در حقیقت
آنچه تاریخ نویسی اخیر ایران را غالبا
مستوجب ملامت می سازد تا حد زیادی
ناشی از همین انحراف مورخان از نحوه
انحرافات موجب عدالت است که تاریخ-
نویسان در استفاده اسناد به قدرکلیات
اهتمام نوزند. در نقد اسناد به اعمال
و مسامحه بگریزند و در تفسیر وقایع،
مقبور تمایلات قاعرو رایج عصر واقع شوند. در
واقع وجود باره‌ای از پیشداوریه که تا حدی
ناشی از تأثیر محیط بین المللی شده در
بسیاری از تألیفات تاریخی یکصد ساله
اخیر موجب شده‌است که در تفسیر حوادث
و واقیعت های تاریخی سوء تفاهم های
گمراه کننده‌ای پیش آید. از جمله اندیشه

تلقون نژاد آریایی که تقریبا مقلان قرائت
کتیبه بیستون و نشر تألیفات عصر ناصری
عنوان شد در بین بعضی ایرانیهای آن زمان
منجر به بروز هیجان و اشتیاق فوق العاده
به دوران باستانی ایرانم و بروز افکار و
تمایلات مبتنی بر تعصب نژادی گشت و
تدریجا به اظهار علاقه نسبت به احیاء
دوران باستانی آریایی و تحریک احساسات
ضد عربی و نتایج حاصل از آن گشت.

این احساسات مقلان شروع دوران پنجاه
ساله اخیر تألیفات تاریخی ایرانیان را غالباً
در آرزوی مواریث اسلامی دچار نوعی
سرسختگی ساخت.
این نکته را که با وجود فرهنگ تازه‌ای که
اسلام تدریجا در ایران به وجود آورد
قسمتی از میراث باستانی، در ایران نیز
مثل همه جای دیگر، به عنوان فرهنگ
نامری (Subculture)

باقی ماند در اذهان مورخان به عنوان آثار
مختلف مردم امری میباید.

۱- انقلاب اسلامی ایران و پیشرفت های
روز افزون علم باستان شناسی لزوم تجدید
نظری در قانون فعلی عقیدات را ایجاب می-
کند. رفع نقایص در مصوبات قبلی
بمنظور حفظ و حراست آثار باستانی و
رفع اشکالات در مواد دست و پا گیر چه
از نظر منافع جامعه و چه از جهت فعالیت-
های باستان شناسی خواهد بود.

۲- هر نوع کند و کاو در محوطه ها و
آثار باستانی و امکان تاریخی در انحصار
دولت است که مستقیما زیر نظر تشکیلات
باستان شناسی کشور انجام پذیر خواهد
بود. چنانچه آثار باستانی و بنا های تاریخی
و بااراضی مزروعی دارای مالک خصوصی
باشد طبق قوانین جاری نسبت به پرداخت
خسارات احتمالی وارده عمل خواهد شد.

۳- هماهنگی در برنامه ریزی فعالیت های
کشاورزی و عمرانی و صنعتی با فعالیت های
دولتی و غیر دولتی که موجب دخل و تصرفی
در اراضی و اتلاف باستانی میباشند با
مشارکت متخصصین تشکیلات باستان شناسی
کشور صورت خواهد گرفت.

۴- کاوشها و پژوهشهای باستان شناسی
که روشنگر مجبولات تمدن و کشف و
شناخت گوشه های تاریخ گذشته انسان
است و اولویت کاوش را در مناطق و
محوطه های فاکن است که در تلوین تاریخ
تملن اقوام ساکن این سرزمین باری نمایند.

ولی در این راه ارتباط باستان شناسی و
مردم را نمیتوان نادیده گرفت و آن قسمت
از آثاری که در ارتباط مستقیم با زندگی
مردم بوده و یا در داخل شهرها و مراکز
زندگی مردم قرار گرفته اند از اولویت خاصی
برخوردار خواهند بود. باستان شناسی
در انجام کاوشهای علمی باستان شناسی
کاوشهای باستان شناسی و مرمت بنا های
مکشوفه در آن که بیشتر کار های انجام
گرفته شده است از نقطه نظر نتیجه گیری
نهایتی علمی امری ضروری میباشد.

۵- مراکز علمی و دانشگاههای پژوهشها
توجه خاصی به باستان شناسی ایران دارند
و همه اسناد ضمن صرف مبالغ هنگفت عده
زیادی استاد و دانشجو برای کاوش و
پژوهش در آثار باستانی و افتخار کسب
اطلاعات علمی از اسناد و مدارک مکشوفه
به ایران اعزام میدارند و نتایج علمی حاصل در
دنیا منتشر میشود. بجا خواهد بود که
کشور اسلامی ایران که خود صاحب و
وارث این آثار ملی و میراث های فرهنگی
است برای باستان شناسان ایرانی در این
راه بیش از پیش بذل توجه نموده و نسبت
به تأمین هزینه های طرحهای مطالعاتی و
پژوهشی و کاوش اقدام مقتضی معمول
دارد.

۶- همکاری با دانشگاهها و موسسات
علمی داخلی و خارجی
الف: ایجاد امکانات لازم و اجازه

۱- توجیه کامل به پیوستگی تاریخی در
شناخت و تفسیر حوادث و رویداد های
تاریخ و همچنین توجه به هر نوع ارتباط
مربوط به زندگی مردم - ایجاد توجه مورخ و
محقق اجتماعی قرار گیرد عبارت خواهد
بود از:

۱- توجه کامل به پیوستگی تاریخی در
شناخت و تفسیر حوادث و رویداد های
تاریخ و همچنین توجه به هر نوع ارتباط
مربوط به زندگی مردم - ایجاد توجه مورخ و
محقق اجتماعی قرار گیرد عبارت خواهد
بود از:

۲- توجه به شناخت نهادها و سازمان
ها و سازمان های اجتماعی و به منظور
تبیین نقش گروه های اجتماعی و مظاهر
مختلف زندگی آنها.

۳- توجه به تغییرات و تحولات مربوط به
حوزه های تمدن و فرهنگ ایرانی درگرونی
های تاریخ، با در نظر گرفتن تأثیرات
متقابل اقوام مختلف در داخل و خارج این
حوزه ها.

۴- ضرورت اجتناب از هر گونه تعصب
هیجان، گرایش، جانب داری از تمایلات
حاکمه.

۵- استفاده علمی از جمع اسناد مکتوب
و غیر مکتوب براساس استقصاء دقیق و
اعمال روی علمی در نقد و تفسیر محتویات
اسناد.

۶- همکاری با دانشگاهها و موسسات
علمی داخلی و خارجی
الف: ایجاد امکانات لازم و اجازه

۸- مشارکت در مجامع علمی، کنفرانسها
و سمینار های بین المللی و مبادله اطلاعات
علمی در زمینه های باستان شناسی و علوم
وابسته با موسسات علمی و مراکز فرهنگی
و آموزش داخلی و خارجی.

۹- معرفی و نشر نتایج فعالیت های
تشکیلات باستان شناسی کشور.
الف: انتشار گزارشهای علمی و تخصصی
از فعالیت های باستان شناسی برای آگاهی
متخصصین و صاحبان فن.

ب: همکاری با رادیو تلویزیون و دیگر
رسانه های گروهی بمنظور بالا بردن دانش
عمومی در زمینه علم باستان شناسی.

ج: همکاری با وزارت آموزش و پرورش
در تدوین کتب تاریخ و هنر و آثار و
دانش آموزان در سطوح مختلف در جهت
بالا بردن اطلاعات آنان در زمینه باستان-
شناسی.

د: تشکیل نمایشگاههای موقت از آثار
باستانی و مجامع علمی برای آگاهی علاقمندان
و صاحب نظران.

۱۰- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۱۱- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۱۲- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۱۳- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۱۴- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۱۵- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۱۶- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۱۷- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۱۸- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۱۹- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۲۰- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۲۱- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۲۲- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۲۳- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۲۴- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۲۵- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۲۶- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۲۷- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۲۸- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۲۹- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۳۰- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۳۱- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۳۲- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۳۳- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

۳۴- تفضیه موزه های باستان شناسی و
همکاری در تهیه بنای مدارس و اسناد
مکشوفه از کاوشهای باستان شناسی کشور.

جبهه ملی

تومان خرج کردند تا آن گوه آهنی را از
میان بردارند.

ویرانه های موزه هم چنان برجاست و
می توان آنرا مورد بازرسی و بررسی
قرار داد.

در دومین مرحله بداخل موزه هجوم بردند
و با مدیریت نادوست و ایجاد نارضایتی
در میان کسانی که سالها عمر خود را در
کار موزه صرف کرده بودند و بکار خویش
ساخت می ورزیدند آنانرا ناچار بترک موزه
عاشقند.

از سخته در حالیکه قفسه های موزه را
از داخل گرمی چوب میخورد و وجود کرم-
های فعال در داخل قفسه ها و در میان و
کنار اشیاء وسیله مناسبی برای خنمه و
تفریح بازدید کنندگان بود.

در چند قسمی این بنا در ساختمان جدید
موزه همه ساله برای بر پا ساختن نمایشگاه
های عظیم فنی، مایه هف و ارزش
آموزشی و رسمی، میلونها تومان صرف
میگردد و مجریان نمایشگاه از مزایای
قانونی آن بهره میگرفتند و پس از بازدید
رسمی و انجام تبلیغات پر سر و صدا
جمع آوری میشدند.

در همین حال زیر نام پر زرق و برق
توسعه موزه بدون آنکه موزه ساخته جدید
آماده گردیده باشد کلیه تجهیزات و گچ -
برپا و دیگر آثار نصب شده بر دیوار
های بخش اسلامی موزه را با پرداخت
دستمزد های کلان به اصلاح کارشناسان
ایتالیائی از دیوار ها جدا کرده و داخل
سالن پرکنده ساختند.

گرم و سرمای شدید، نور محاسبه نشده
و گرد و خاکی، کتابها، پارچه های دیگر
آثار هنری اسلامی را رو بنبودی می برد.
کوئی کلیه آثار اسلامی محکوم بفنا شدند
و گاهی این بررسی دودل انسان جوانه
میزد که آنا انشمه تلاش و گوشش هدف-
ویران در بی ندارد؟

بدنبال آن تابلوهای گرانبها و بی مانند
صف سلام کار نابغه امیرکلیه که زینت بخاری
دیار های گنجینه موزه است بجز مجاری
بودن به زیر زمینهای نمود و برخلاف موزه
منتقل میگردد.

و بسیاری نقل و انتقالات دیگر وشایعانی
دلبره آوز که جای سخن آن اینجا نیست.
موزه مهم دیگر تهران یعنی موزه مردم-
شناسی نیز از این گونه خطبات بی بهره
نمی ماند، مدیری که بقول خودش بنیانگذار
مکتب کویمید در ایران است، موزه
مردم شناسی فرستاده میشود، او باوق
کویمیدی خود همه اصول معمول موزه -
داری و مردم شناسی را بهم میریزد.

ایکاش کاد بهمین جا پایان می یافت،
بی اعتنائی بسرخوشات موزه و نیز زبون به
اجاره بهای باستان شناسی استیجاری -
شود که مالک، بنای زیبای موزه را بعال
خود رها سازد تا رو بپورانی رود، آنگاه
ناچار موزه را به بنای کاخ ایض منتقل
کند.

در این مرحله نیز طرح عمرانی اجرا
میشود، یک کارشناس خارجی بحکم
روایت کار تجدید بنای موزه را برعهده
میگیرد، برای اینکه بدانند او چه کرده
است، آشنایان با کار مردم شناسی و
موزه داری باید خود موزه را از نزدیک
بررسی کنند.

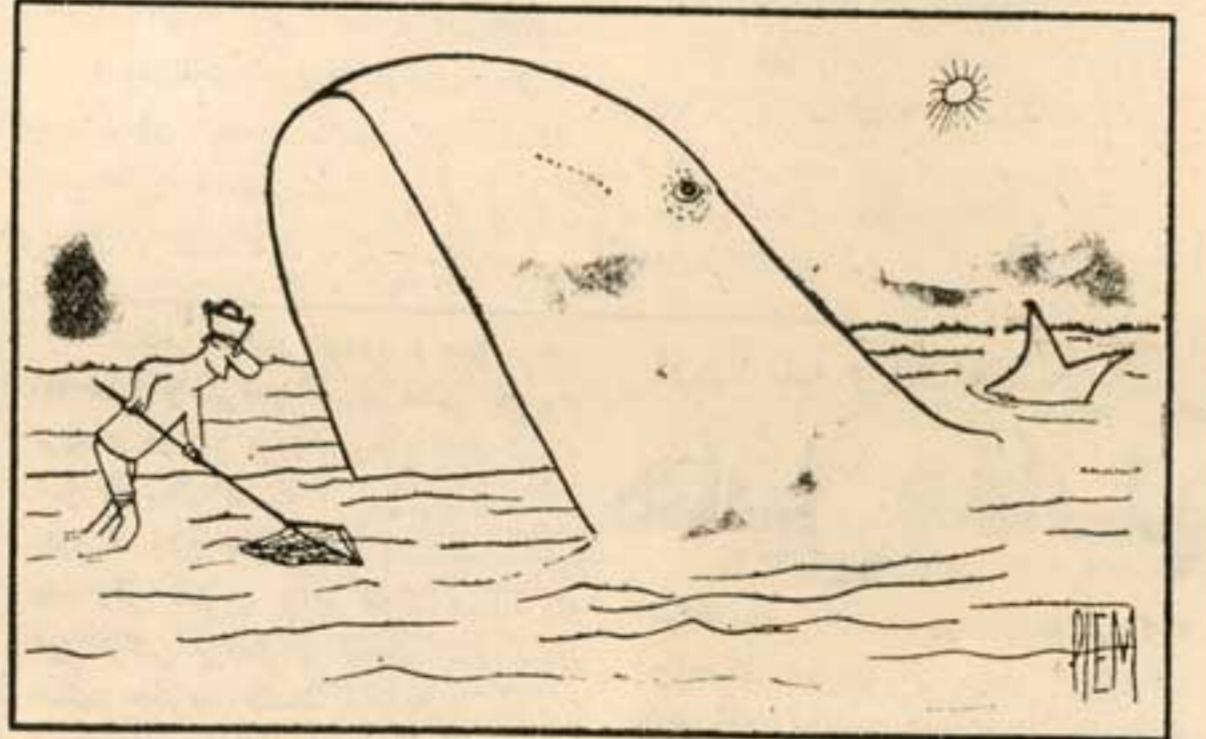
موزه های کوچک شهرستانها چون موزه
احرام در شیراز، به بهانه انجام مراسم
بجشم میخورد.
نخست بی توجهی مطلق و بفراموشی
سیردن موزه ها، که در این دوره بحرانی
دردآور «نژ» رایج و متداول در فرهنگ هنر
این جمله معروف بود «در این وزارت
کارکنان فرهنگی طفیلی مترمندانند» و همه
میانهم که معیار هنرمندی از نظر حاکمان
وقت چه بود؟ و هنرمندان چه کسانی
بودند؟

اما این برنامه چون از طرفی نتیجه سریع
مورد نظر را همراه نداشت، و از طرفی
باید درآمد های ملی با سرعت بیاد فنا
سیرده شود، مرحله دوم برنامه زیر نام
پر زرق و برق طرحهای عمرانی آغاز
گردید.

اولین برنامه سه هدف مشخص داشت:
اول - ویرانی موزه های غیر عنوان عمران،
دوم - اتلاف ثروت ملی
سوم - تأمین منافع اشخاص

بنگریم که با موزه ایران باستان زیر
لوی طرحهای عمرانی و با خرج میلیونها
تومان چه کرده، نخست به بنای موزه
که نمونه زیبایی معماری ایرانی بوده هجوم
برند، تا عتیق چند متر اطراف بی هاجم
موزه را خالی کردند. سپس در حیاط
میانی ساختمان گوهی از آهن و فولاد برپا
ساختند. بزودی تعادل و استحکام بنا درهم
شکست و بنیان موزه سست گردید و دیوار-
ها شکاف برداشت. دوباره هزاران هزار

بقیه در صفحه ۵



مکذبین چگونه بوده است. اینست بیانی
برای مردمان و هدایت و پندی برای پرهیز-
کاران.
شناخت مآثر و آثار تمدنهای گذشته ایران
که مواریث جیت بیدار نگاه داشتن و پرورش
ما هستند جهت بیدار نگاه داشتن و پرورش
و چندان ملی ایرانیان یک عامل اساسی
میباشد و دول و احساس عظمت شئون ملی
و باستانی نه تنها وسیله سعادت و غنای
معنوی ملت ما بشمار می آید بلکه در
پیشبرد تمدن و دگرگونی های جهان
جامعه انقلابی ما جریان دارد و برای جهانگرد
ساختن آن برنامه ها به موازین فرهنگ
تاریخی و باستانی نقش عظیم توانده است.
تجدید نظر و تغییرات بنیادی در طبقه-
بنی ادوار مختلف تاریخ و همچنین
طبقه بندی اشیاء مکشوفه در جهت بر آوردن
نژاد های واقعی جامعه و استفاده اقشار
مختلف مردم امری میباید.

۱- انقلاب اسلامی ایران و پیشرفت های
روز افزون علم باستان شناسی لزوم تجدید
نظری در قانون فعلی عقیدات را ایجاب می-
کند. رفع نقایص در مصوبات قبلی
بمنظور حفظ و حراست آثار باستانی و
رفع اشکالات در مواد دست و پا گیر چه
از نظر منافع جامعه و چه از جهت فعالیت-
های باستان شناسی خواهد بود.

فرآیند مصرف به اندازه‌ی فرایند تولید بیگانه کننده است. در مرحله‌ی اول ما اشیاء را بوسیله پول بستم می‌آوریم، ما به این عادت کرده و آنرا مسلم فرض می‌کنیم ولی در واقع این عجیب‌ترین راه برای دست‌یابی به شئی است. پول نماینده‌ی انتزاعی کار و کوشش است. ولی ما می‌توانیم آنرا از طریق اوث، تقلب و شانس بدست آوریم.

اثر بیگانه کننده پول را در فرایند خواست و مصرف می‌توان چنین بیان کرد «پول ... نیروهای واقعی و طبیعی انسان را به دیدارهای انتزاعی و بنا براین ناقص تبدیل می‌کند. از سوی دیگر پول نارسایی‌های واقعی و توهمات را به نیروهایی بدل می‌کند که فقط در تصورات فردان نیروهای واقعی موجود است.

مصرف اساسا به کار ارضای تحریکات

تجزیه عشق و همبستگی ...

زیرا خودبخود هدف است بدون اینکه نسبتی با مصرف یا لذت حاصل از چیز خرید شده و مصرف شده داشته باشد. خریدن آخرین‌ها که به بازاری آمده رویای همه است که در مقایسه با آن لذت واقعی مصرف در مرتبه‌ی دوم قرار دارد. وجهه نظر بیگانه در مصرف نه تنها در مورد خواست‌ها و مصرف کالاها وجود دارد، بلکه دورای اینها، نحوه‌ی گذران اوقات فراغت رانیز تعیین می‌کند.

تفریح گویی « صنعتی » شده مانند سایر صناعت‌ها، مصرف‌کننده چنان ساخته می‌شود که تفریح را نیز همانطور که کفش لباس را می‌خرد ابتیاع نماید. ارزش

شادی به معیار موفقیت بازار آن تعیین می‌شود. نه بوسیله آنچه می‌تواند در مفاهیم انسانی اندازه‌گیری شود.

بیگانگی بین انسان‌ها و فندان آن، تضمین‌های کلی و اجتماعی که قرون وسطی و نیز جامعه‌های ماقبل سرمایه‌داری را بوجود می‌آورد، درهم می‌شکنند. جامعه جدید از « اتم‌هایی » تشکیل شده که هر یک از دیگری جدا هستند و تنها ضرورت کاربرد دیگران آنها را گرد هم می‌آورد در حالیکه انسان یک موجود اجتماعی است با نیازهای عمیق به تشریک‌مسامی برای کمک و احساس عضویت در گروه.

کیفیت‌های انسانی تبدیل به کالاهایی

ما با یک مساله حیاتی در تماسیم، انسان باید نان روزانه خود را درآورد و این کم‌وبیش وسیله‌ای سرگرم‌کننده است. او نظم اجتماعی، عقاید، عادت‌ها و ایده‌هایی را به وجود می‌آورد که او را در نمایاندن آنچه برای زندگی با دیگران یا حداقل برخورد لازم است، یاری کند. این خلصت هر فرهنگی است که یک جهان ساختگی و مصنوعی را درست می‌کند و آنرا بر جهان طبیعی که انسان در آن زندگی می‌کندحاکم می‌نماید، ولی فقط در دو صورتی که انسان در تماس با واقعیت اساسی وجود باقی بماند می‌تواند خود را تکمیل کند. اگر او بتواند عظمت عشق و همبستگی را تجربه کند، به همانگونه که واقعیت غم‌انگیز تنهایی و شخصیت تکه‌پاره خود را احساس می‌کند، خواهد توانست خود را کامل کند.

رهروان راه حقیقت کدامند؟!!

آنجاست که ندایی بر می‌خیزد و روشی رو می‌کند. در تاریکی چهره‌ی واقعی هیچکس روشن نیست و کس را بر کس اعتمادی نیست.

امید از همه چیز بریده و آرزو مرده است. همه چیز فروشی است. اندیشه، شرف، قلم و انسانیت و همه برای ارزانتی فروختن خویش مسابقه گذاشته‌اند ولی هرکس بر دیگری مارک خودفروشی می‌زند.

در روطه‌ی خود فروشی‌ها، همه ادعای روشننگری می‌کنند ولی روشننگری وجود ندارد. آنها که هستند، عوام فریبان و گوته‌فکرانند، زیرا بیشتر دو اندیشه‌ی گلیم خویشند. در تاریکی همه چیز دگگون جلوه می‌کند، بیگانه‌ترین‌ها

رهروان راه حقیقت کدامند؟!!

و آبادر چنان بحرانی فریاد را اثری می‌تواند باشد؟! برای هم شدگان وادی خود خواهی‌ها و خودپیشی‌ها بی‌گمان پیوستن به جریان‌های گم‌گشته و منحرف و جمع را قربانی منافع فردی ساختن راهی است درست و اصولی!! او شاید تنها راه حفظ موقعیت و بهتر کردن آن!! در وحشت از خود بی‌خبری، کسی را گوش شنوا نیست. هر که به فکر نجات خویش است، هر چند که نجات حقیقی در رهایی جمع باشد.

رهروان راه حقیقت کدامند؟!!

و آبادر چنان بحرانی فریاد را اثری می‌تواند باشد؟! برای هم شدگان وادی خود خواهی‌ها و خودپیشی‌ها بی‌گمان پیوستن به جریان‌های گم‌گشته و منحرف و جمع را قربانی منافع فردی ساختن راهی است درست و اصولی!! او شاید تنها راه حفظ موقعیت و بهتر کردن آن!! در وحشت از خود بی‌خبری، کسی را گوش شنوا نیست. هر که به فکر نجات خویش است، هر چند که نجات حقیقی در رهایی جمع باشد.

رهروان راه حقیقت کدامند؟!!

انسانیت، تنها برخاستن و مبارزه برای جلوگیری از سقوط ارزش‌های عالی انسانی است. رهروان راه حقیقت فزای جسم خویش را سدی فراراه ستوت جمع می‌سازند و با یثاره تاریخ تعزل می‌بخشند. و آنها که علم خودنمایی برمی‌افزایند و زبان آوری گمان می‌کنند می‌توان حقیقت را دگرگون جلوه‌گر ساخت. خام‌خیالانند و خوش باوران زیرا که تاریخ نشان‌داده، برای همیشه نمی‌توان جمع را با ریا و تزویر در راهی سرگردان ساخت و سرانجام آفتاب از پس ابرهای ضخیم و کدر بیرون می‌تابد و در تالاب خیره‌کننده خویش باطل را به نیستی و زوال می‌کشد.

روشنفکران مبارز و دردکشیده و شکنجه دیده‌ی این سرزمین، که امروز رشتنه‌ی کار یا گوشه‌باری را در دست دارند، اگر گمان می‌برند که دین خود را به کمال به این ملت پرداخته‌اند، و حالا می‌توانند در جامعه نوین آن بازی جانب و پرهیجان- شطرنج سیاست را بیافزایند، سخت در اشتباهند.

آنها باید بدانند که هنوز آزادی نیخته‌اند، و هنگام آویختن الکتها هم نرسیده است، و رها کردن این قافله در نیمه‌راه، به هر قدری- خیانتی است بزرگ. شاید زرد ساختن با همان رستاخیزی‌ها. نه آقایان- شما هنوز به این ملت بدهکارید، شما باید تا پایان راه در کنار این ملت بمانید. که این ملت سخت تنها و نیازمند است، و این ملت لوله‌هفت‌تیر بر شقیقه دارد- کشیدن ماشه کار یک لحظه است. و شما کجا باید آقایان مسئول آگاه مبارز خیر اندیشی؟ شما روز اول، مختار بودید و مختیر که زندان و مبارزه را برگزینید یا کتج «عاقبت» راه «رستگاری» را... اما امروز مختار و مختیر نیستید. شما در برابر یک ملت غارت شده، به معنای عمیق و واقعی کلمه قرار دارید، سخن من از پول نفت و درآمد سرانه نیست، سخن من از اندیشه و تقاضات و شپامت است، از این مسلت سالها و سالها و نسل‌ها در پی نسل‌ها، با جبر زور و تهدید خواسته شده است

سخنی باروشن‌فکران مبارز شما هنوز هم به این ملت بدهکارید!

سازش کند، هورا بکشد، صحیح است بگوید، و سوال نکند، تردید نکند، بپذیرد که هرچه پیش آید خوش آید. اشتغال‌های ذهنی این ملت را در ده سال محدود کردند به انتظار خوشبختی درعصر چهارشنبه، به رابطه پنهانی این رفاص با آن مطرب، و امید... و امید... و وعده... و این ملت اگر به برکت مبارزات بی‌گیر و به قیمت جان گروهی که رفته‌اند و به پای زجرها و محرومیت‌های آنها که مانده‌اند امروز مجالی برای نفس کشیدن و دین و شیندن می‌یابد، درج و درد بسر شما اگر به هر عذر و بهانه‌ای تنبایش بگنجد و به دست غارت و چپاولش بسپارید.

آقایان، ایران و اسلام پشتوانه‌ی رشد و پیروزی یکدیگرند ساز نساق و دشمنی نرزمی و یکی را مدعی و معاند دیگری معرفی نکنیم!!

آقایان مبارزین پیشرو و مسئول، شاه بدی به نام محمدرضاشاه از این سرزمین رانده شد و رفت و نام نحسش نیز از همه

سخنی باروشن‌فکران مبارز شما هنوز هم به این ملت بدهکارید!

جا زده شد. نام کورش را چرا از خیابان‌ها برداشتند؟ مسابقه و رقابت چرا؟ کدام ملت تاریخ خود را خط بطلان کشیده؟ نام‌های آشنا را به فراموشی سپرده و هنر و ادب را به کورگی آتش داده «ست! کدام ملت در سراسر تاریخ خود فقط یک نام و یک برش از زندگی ملی را ارج نهاده؟ و آیا چرا چهره‌های درخشان قدر و ارزش یکدیگر را نفی کنند، در حالیکه اگر بی‌انصافی نکنیم هر یک مکمل دیگری هستند؟!

در چنین روزگاری که ما امروز در این خاک عزیز می‌گذرانیم، در مقابل تمام حلاتی که اگر تا دیروز سرپوشیده و غیر مستقیم بود، امروز مستقیم و آشکار است. در برابر تمام زرمه‌ها و پیچیده‌های تلخ در باره قدرت ارتجاع، در باره آزدگی و سکوت دولت و همه آنچه از حالت زرمه و شایعه خارج می‌شود و رنگ قانون و حکم و اعلامیه به خود می‌گیرد، شما، اغلب به دور از یکدیگر، اغلب زنجیده و گسسته از دیگری و گاهی حتی در کینه و دشمنی با

سخنی باروشن‌فکران مبارز شما هنوز هم به این ملت بدهکارید!

هم معلوم نیست کجا بید و چه می‌کنید؟

سخنگوی دولت موقت انقلاب اسلامی ایران- نه سخنگوی آقای هویدا- سخنگوی دولت مملی بازرگان به من می‌گوید اگر در وطن من چیزی می‌گذرد که من نمی‌فهمم یا نمی‌دانم، علتش صرفا کثرت خیرها و ماجراهاست و بسا که در گوشه‌ی از ایران چیزی می‌گذرد که حتی خودایشان هم نمی‌دانند. و من همانند بسیاری از افراد این ملت، از روز خروج مشعثمانه آقای محمد منتظری تا بازگشت شکوه‌منشان، کتیکاوانه قضیه را در مطبوعات دنبال کرده‌ام و از جمع و تفریق تمام خیرها و شایعات، هنوز هم حیران و سرگردان مانده‌ام که آیا حکایت از چه قرار بوده و هست. من هنوز هم از قصه‌های بی‌پایسی هلیکوپترها و بنزهای ۶۰۰ و حراج‌ها و بازداشت‌ها و بخش‌ها سردرنیارده‌ام و واقعا آیا همه این‌ها به این خاطر است که خیرها و حقایق مملکتی پشت‌پرده‌های مصلحت نگهداری می‌شود، یا به خاطر حضور و مرکزهای تصمیم‌گیری متعدد است

سخنی باروشن‌فکران مبارز شما هنوز هم به این ملت بدهکارید!

است. ما می‌مانیم و واقعیت تمام نیازهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگیمان به اضافه یک فقر و تهیدستی غم‌آور در تمام این زمین‌ها. مسئولیت‌ناجعبه با کیست؟ نه با آن که نمی‌داند و اطاعت می‌کند، بلکه با کسی است که می‌داند و ساکت می‌نشیند، چه چیزی این قدر شما را خسته کرده است؟

مردم پرسش‌های بسی‌جوابشان را فراموش نمی‌کنند، مردم در تواتر این پرسش‌ها و این سردرنیارده‌ها و حیرت از تمام قدرت‌های بی‌تامل- حاکمیت‌های بسی منطق و محکومیت‌های خشم‌آور، وابستگی و روحیه انقلابی خود را از دست می‌دهند و ساکت می‌شوند. شما آقایان در بارشطر- های سکوت و سازش تجربه دارید، شما می‌دانید که وقتی مشغله عظیم و اساس حکومتی با ملتش می‌شود، بسر سر آن حکومت و آن ملت چه می‌آید و شما اگر برای رستگاری این آب و خاک و مردمش به امید شسته‌اید، این را بدانید که این امید جز به مبارزه خود شما با انحصارطلبی و اختناق و جز به حمایت‌ شما از مردمی که نیازی شدید به بازسازی فکری و روحی داده، نیست. این ملت را به فردا نسپارید، که بسیار دیر است و ملامت مهران‌چاره ساز هیچ مصیبتی نخواهد بود.

نگرانی‌های عراق از اوضاع ایران

بصره - نفت و اوضاع ایران دو مایه اصلی دغدغه خاطر مقامهای این شهر مرزی عراق را تشکیل می‌دهند. و همچنین موضوع گداکرات مهم آنان را. شهر آبادان که اخیرا شاعده خرابکاری در لوله‌های نفت آن بودیم، کمتر از ۵۰ کیلومتر، و خرمشهر، کانون اغتشاشهای عرب زبانها و کمونیستهای ایران تنها ۳۰ کیلومتر از بصره (یعنی مرکز حوزه‌های نفتی رام‌الله، زبیر و مجنون) فاصله دارند. و بالاخره شاه لوله نفت عراق نیز که نفت شمال این کشور را به خلیج فارس می‌رساند، در نزدیکی مرز ایران به انتها می‌رسد. این بدان معناست که بی‌ثباتی همسایه عراق، ۱۸ میلیارد درآمد نفتی سالیانه این کشور را به خطر می‌اندازد.

در بصره نیز چون بغداد، مقامهای می‌کوشند تشنج مرزی میان عراق و ایران را ناچیز جلوه دهند. به ما اطمینان می‌دهند جاده‌ای که عراق را به خرمشهر متصل می‌کند، گماکان باز است. اما وقتی از مدیر کل اطلاعات اجازه بازدید از محل را می‌خواهم از دادن اجازه خودداری می‌کند و می‌گوید: «ما خواستار استقرار کتبات در ایرانیم و نمی‌خواهیم این احساس را به وجود آوریم که منطقه مرزی میان دو کشور به یک منطقه نظامی بدل شده است.

عراق و ایران ۱۵۰۰ کیلومتر مسرز مشترک دارند. با این حال ظاهر امر اینطور نشان می‌دهد که عراق قصد دارد با هرگونه

موزه‌های ویرانه را آباد کنیم

بقیه از صفحه ۴

ترین امکانات معروفند.

این موزه‌ها عبارتند از:

- ۱- مجموعه شهباد (سابق) شامل: الف سوره - ب- سان سعه و بصری - ج- موزه ششم بهمن
- ۲- موزه سلسله پهلوی (سابق) کاخ- مرمر.
- ۳- موزه رضا شاه در ژوهانسبورگ
- ۴- موزه الاشت
- ۵- موزه سوم اسفند

اعتبارات نجومی و سرسام آوری که در راه ساختمان بعضی از این موزه‌ها به مصرف رسیده، سبب حیرت می‌گردد: برای نمونه باید بگویم که تنها برای ساختن موزه ششم بهمن که نمایشگر هستی دود و فریب و تیرنگ و چاپلوسی است مبلغ ۷۷۲۲۰۰۰ ریال و برای موزه کاخ مرمر مبلغ ۳۵۵۹۲۴۰۰۰ ریال تاکنون به مصرف رسیده است.

شگفتا که تنظیم کننده بیشتر این موزه‌ها یک کمونیست دو آتشه است و این از نوادر روزگار است که یک کمونیست مبلغ رژیم شاعتشاهی گردد.

ب- برنامه ریزی برای آینده

- ۱- طرحهای ساختمان و تجبیز موزه‌ها. این بوده محتلی از آنچه با ما کردند، اما انگاش بهمن بسته‌شده بود آنچه برای خرجی‌های یاد شده بغویی آشکار است.

فرزندی گفت:

فرزند می‌گفت:

من ترس را - که مادر مرا است - گشته‌ام - دیربست - دیگر شکنجه‌های خدانود روئینی مرا چه می‌تواند کرد؟ من آزموه‌ام تا زندگی دوباره فراز آید باید مدفست مردن را آماده شد تا مرا را پذیره نباشی گلخنده‌ی حیات نخواهد شکفت. اینک زمان، زمان ستردن با انفجار خشم تو اما این یاتسه دوباره جوان خواهد شد با انفجار خشم تو فرزند خواهد آورد - فرزند سرخ - و آنگاه ناباورانه خواهی دید (این طفل یکشنبه ره صدساله می‌رود در آب و راکم توفسان می‌روید و گونه‌ی فسرده‌ی آفاق سرخ است مشهد خرداد ۴۵ م آژرم

فرزندی گفت:

با یک مقایسه این وضع را روشن تر بیان کنیم.

برای تجبیز و تکمیل موزه مهمی چون موزه مردم شناسی تهران برای سال گذشته اعتباری برابر ۹۶۵۰۰۰ درخواست اعتبار گردیده بود که پرداخت نشده است. اما در برابر برای تعمیر خانه هنرین در کرمان، خانه‌ای که رضا شاه بهنگام تبعید از ایران نه شب در آن بسر برده و تبدیل آن به موزه طی دو سال گذشته ۴۰۹۹۰۰۰ ریال اعتبار تخصیص داده شده است.

هیچکس هم نمیداند که در این موزه‌چه باید بنمایش گذاشته شود.

آنچه گذشت مختصری بود از آنچه بر - موزه‌ها در وزارت فرهنگ و هنر گذشت و آنچه برای آینده آن پیش بینی گردیده است. و نیز بود شرح گوشه‌ای از سیاست فرهنگی ما در گذشته.

جبهه ملی ایران

صاحب امتیاز: مهندس حسین اخوان سردبیر: پروانه فروهر زیر نظر شورای نویسندگان

غیابان سپه شماره ۲۶ - طبقه سوم تلفن: ۸۹۲۰۲۱ چاپ گوشه ۳۱۸۵۶۴-۵

اسرار فعالیت سازمان «سیا» در ایران

در ۲۶ ژانویه ۷۹ پرزیدنت کارت کرامت اعلام کرد که ما قصد مداخله در امور ایران را نداریم و مسائل خارجی این کشور هم مربوط به حکومت آن است.» (۱)

این بیان کارت که دخالت امریکا در امور ایران را نفی می کرد باعث تصحیح نگرانیان شد و درست با دعوای که ایژنپاور در مورد مامور سیا نبودن کاری باور پس از سقوط هواپیمای یوس-۲ گفته بود مطابق است. این دعوای در رابطه با فعالیت زیاد سیا تاثیر بلی در جهان داشت و باعث بیم خوردن کفرانس امریکا و شوروی و توسعه جنگ سرد شد. گفته کارت در مورد ایران هم باعث شد که رابطه صلح-امیز از بین برود و ایرانیان روبروی امریکاییان قرار بگیرند.

بر اساس گزارشهای رسیده از ماه جولای تا دسامبر ۷۸ بین ۵۰ تا ۷۵ مامور تمام-وقت سیا در ایران مشغول فعالیت بوده اند (۲). همچنین حدود حداقل ۱۰۰ متخصص اطلاعاتی بازنشسته امریکایی در ایران بودند که در شرکتی مختلف کار می کردند (۳). بیشتر این افراد هنوز کار خود را با سیا ادامه می دادند. بر اساس گفته «جس-لیف» سرپرست تحقیق سیا در ایران (۷۲-۶۸) سیا برای خدمت به شاه و ساواک در ایران

یکی از هدفهای «سیا» در ایران اقدام علیه فلسطینی ها بود که با کمک «وساد» انجام می شد

فعالیت داشت. دو هدف پنهانی سیا در ایران غیر از استراق سمع و نبرد با گروههای مخالف شاه، اقدام علیه فلسطینیها بود که با همکاری ماموران اطلاعاتی «وساد» اسرائیل صورت می گرفت. دومین هدف عمده سیا مراقبت و حفاظت مناطق نفتی بود. (۷) اتحادیه کارگران صنعت نفت و کارگران واحدهای دیگر صنعتی توسط ساواک کنترل می شدند و در مقابل ساواک هم توسط سیا کار می کرد. مقداری از فعالیت های سیا هنوز هم در تهران صورت می گیرد و فشار شدید سیاسی هنوز تعداد زیادی از ماموران سیا، کارگزاران و ایرانیان که با سیا کار می کنند در ایران مشغول فعالیتند.

از سال ۱۹۵۰ طبق آمار پنتاگون بیش از ۱۵ هزار افسر و درجه دار ایرانی در موسسه های ارتش امریکا دوره دیده اند (۴) به نوشته نشریه «واشنگتن استار» مقداری از تعصب ارتشی ها نسبت به امریکا روی اصل دیدن دوره در این کشور است. تعدادی از این افسران موافق با امریکا هنوز در شغل خود باقی هستند. در یازدهم سپتامبر ۷۸ پرزیدنت کارت شخصاً به شاه تلقین کرد که پشتیبانی خود را از او اعلام کند.

در نوامبر ۷۸ کارت رئیس جمهوری امریکا «ریچارده هلمز» را برای یک مذاکره طولانی معرمانه در باره ایران خواست. هلمز دوست دوران کودکی شاه در سال ۵۲ برای ترتیب کودتا در تهران بود. او متهم به اعمال بسیاری جنایات در باره ملت ایران است و همچنین گردانندگی ساواک در ایران را بعهده داشته است. بر اساس گفته «جس-لیف» هنگامی که هلمز در سمت ریاست سازمان سیا بود این سازمان سیناتر استفاده از شکنجه را برای بعضی از افسران ایرانی ترتیب می داد. «لیف» همچنین بیان کرده است که سیا یک رشته ارتباطی مخصوص در ایران ایجاد کرده است و از حمایت کامل شاه و کارکنان اداری و محققان سیا بهره می برد. سد اینجا ذکری از ماموران سیا نشده است.

هر چند که شاه در حال حاضر خارج از ایران است لیکن هیچ نشانه ای از اینکه این خط سیاسی سیا در ایران تغییر کرده باشد دیده نمی شود.

«روبرت باو» فردی که وظیفه اوارابط دادن رشته های مختلف سیا در ایران بود اینک بعنوان رئیس قسمت تحقیق سیا مشغول کار است.

در نوامبر ۷۸ «باو» به اتفاق ژنرال «تیگه» رئیس اطلاعاتی از سوی کاخ سفید از ایران دیدن کردند و بجای گزارشی که از ملاقات این ژنرال با شاه بدست آمده و سازمان «دیا» پذیرفته که ارتباطی بین این دو - او و تیگه وجود داشته است و هدف این گروه را هم مشخص نکرده اند. آنطور که مشاهده می شود تنها گزارش ویژه از این سفر در کاخ سفید بیگانی شده است. نتیجه تحقیقات و توصیه ها

هنوز فاش نشده است.

در دسامبر وزیر مشاور امنیتی بین-المللی آقای برزینسکی با حق گزارشات اخیر در تماسهای متناوبی با اردشیر زاهدی بوده است از طرف کارت هم شخصی به نام آقای پال ماموریت داشته که گزارشی از ایران تهیه کند و نتایج این گزارشات هنوز مکتوم مانده و کشف نشده است. ۱۸ در اوائل ژانویه ۱۹۷۹ ژنرال «رابرت هایزر» به طرف ایران حرکت کرد که قراردادهای ارتش ایران را زنده نگاهدارد و هم چنین ایسن ارتش متشکل و وفادار همیشه برای بختیار بماند ۲۰ کاخ سفید بر این عقیده بود که هایزر برای بازرسی جاسوسان امریکا و لوازشان در ایران فرستاده شده است صحت ایسن اظهار بعید بنظر می رسد و کاملاً واضح روشن بود که افسری در ردیف دوم ارتش امریکا در اروپا شخصاً لایزم جاسوسان را بازرسی کند.

این اظهارات آشکار می کرد که به هایزر از طرف یک سازمان کاملاً هوشیار و بازرسی می کند.

پیشنهاد شده بود ایسن سازمان آناه و زیرک کسانی هستند که کودتاها و عدم ثبات و غیره را نقش میدهند.

باید به خاطر سپرد آگوست ۱۹۵۲ را که ژنرال شوارتسکف برلنل به دلیل تجدید قرارداد با ارتش ایران به ایران حرکت کرد.

شوارتسکف در غیا پشاه برای خارج کردن ۱۰ میلیون دلار از پول سیا امریکا در ایران ماند که این پول صرف آفریدن تظاهراتی به نفع شاه بود.

دو هفته پس از ورود «هایزر» به ایران هم یک تظاهرات غیرمنتظره ای به نفع شاه صورت گرفت که توسط ارتشیان و خانصای شیک پوش تهران بود. طبق گزارش واشنگتن پست کوشش برای سازمان دادن تظاهرات هم اکنون هم توسط چند ژنرال ایرانی و سفیر ایران در امریکا - اردشیر زاهدی - سرپرستی می شود.

اردشیر زاهدی داماد شاه و پسر ژنرال فضل الله زاهدی است که در سال ۱۹۵۲ در بیرون راندن مصدق نخست وزیر ایران با سازمان سیا و شاه همکاری میکرد. اردشیر زاهدی در حال حاضر به علت همکاری با ساواک و سیا و تشکیل تظاهراتی فلابی بنفع شاه در سفر نوامبر ۷۷ او به امریکا مورد بازجویی از سوی یک هیئت بزرگ زوری امریکا است.

یکی دیگر از اظهار عقیده های آخری که از سوی «پراودا» در مورد ژنرال هایزر شده است تعیین چانشین، برای حفظ و نگهداری ارتش است. در سال ۱۹۵۳ عین همین اتهام از سوی شوروی علیه کارهای نوامبر شوارتسکف در ایران شده بود و گذشت زمان این موضوع را ثابت کرد.

موضوع دیگر ایجاد نیروی «اقدام» برای ایران است که ۴۰ تا ۵۰ عضوکنگره امریکا آنرا تصویب کرده اند و سرپرست آن «دیوید دنلوب نیوسام» است. هدف نحوه و عملیات این گروه هنوز فاش نشده است و اعضای آن از ماموران سازمانهای «اداه» و «سیا» هستند (۶).

ژنرال هایزر رای متحد ماندن ارتش و حمایت از بختیار به ایران آمد.

اگر کاخ سفید مداخله خود را در امور ایران انکار می کند چرا این نیروی موفقی مشغول فعالیت است و اعضای مشغول آزمایش نحوه های مختلف دخالت در امور ایران هستند.

تقریباً که اظهارات شلزینگر بوجود آورد بسیار قابل ملاحظه بود بویژه آنکه در سال ۷۴-۷۳ یعنی در زمان تحریم نفتی توسط کشورهای خاورمیانه این عمل منجر به یک سلسله حوادثی شد که ناراحت کننده ترین واقعه پس از جنگ بود. گفته شلزینگر حرفه ای بود که معمولاً یک بازرگان برای انجام هدف خود بکار می برد و به همین دلیل با بخش حرفه ای او قیمت دلار بطور سریعی سقوط کرد و قیمت

همچنین گزارشات منتشر شده است

هنگامی که ارتش ایران مردم را به گلوله می بست و می کشت این موضوع باعث تشویق تشکیلات اداری کارت می شد. یک مورد مهم دیگر زندگی یک کارشناس کودتای سیا به نام «ورون والتر» - گویا بازنشسته است - در مراکش - مغرب است که شاه عم در آنجا زندگی می کند.

ولتر در سال ۱۹۵۱ به اتفاق آوریل هرین، ژنرال روبرت لاندی و والتر لوی که در آن زمان کارشناس نفتی بود برای بیرون راندن مصدق و دوباره قدرت دادن به شاه سفری به ایران کرده بود. کاملاً مشخص است که کودتای ناکبانی علیه مصدق خیلی خوب تربیت یافته بود. نکته مهم دیگر فعالیت مجدد کمریت روزولت مامور سیا است که در کودتای ۵۳ و بازگرداندن شاه هم تنش داشته است. من مطمئن هستم که روزولت باردیگر مذاکراتی را برای حل مساله ایران بنا مقاصد ایالتی و سیا شروع کرده است و در این مورد با دوست خود «استانسفیلد ترنر» رئیس سازمان سیا تماس گرفته است. او همچنین با یک مقام عالی رتبه «انتیلیچس سروس» انگلیس تماس دارد که به اتفاق این شخص در کودتای ۵۳ شرکت داشت. این مقام اطلاعاتی انگلیس اخیراً بعنوان مشاور دولت عربستان سعودی استخدام شده و از انگلیس به عربستان رفته است.

دولت سعودی همچنین «ریموند کلو» سرپرست سیا در عربستان را هم برای تعلیم به افراد اداره اطلاعات عربستان استخدام کرده است. حتی بدون اینکه بدانیم روزولت مشغول چه گفتگویی است تنها پیشنهادهای او، سیا را وادار به بررسی راههای مختلف مداخله در ایران می کند.

و بالاخره دو نهایت طبق گزارش ماه دسامبر ۷۸ نیویورک تایمز تعداد زیادی متخصص از امریکا برای کمک به شاهراهی ایران شدند و این تازه وارد شدگان طبق گزارش منابع سمارتی شامل تعدادی متخصص سیا در امور ایران و تعدادی از سیاستمداران و افراد ارتشی هستند. تعدادی از آنها سالها قبل در ایران فعالیت داشتند و به لحاظ همین تجربه دوباره از آنها یاری گرفته شده است.

این برانکدگی سیا در ایران و ۱۷۵-۵۰ مامور دیگر سیا که قبل در ایران بودند و هنوز هم از خروج آنها هیچ نشانه ای در دست نیست بغبوی مشخص می کند که گروه سیا مجدداً در ایران شکل می گیرد. آنچه مشخص است اینست که سیا و پنتاگون می خواهند دنیای اقتصاد را قانع کنند که بازگشت شاه لازم است و باید یک رژیم طرفدار غرب در ایران حکومت کند.

دلایل زیر صحت این موضوع را معلوم می کند. در آخر هفته بر اساس گزارش «مانیتور» ارزش سهام واحد صنعتی «جاز» به ۲۵۱۲ سقوط کرد و نزدیک ۸۴۳۶۴ رسید. موسسه تحقیقی دیفوس اعلام کرد که ایران مشغول تعدیل نرخ بازار است. پیش از اظهار نظر کمیته انرژری سنای امریکا، شلزینگر اعلام کرده بود که قطع جریان نفتی ایران را باید خیلی جدی تر از تحریم نفتی امریکا از سوی کشورهای خاورمیانه در سال ۷۴-۷۳ تلقی کرد و کمبود نفت بطور آشکارتری در هفته های اخیر نشان داده است.

کسیجنر را در ازبک رفتن قدرت شاه دال برخشی شدن قدرت سیا دانست. بنابراین کسیجنر و شلزینگر هر دو در این عملیات با همدیگر همکاری داشتند بویژه در دخالت دادن سیا در امور ایران.

بهرحال کسیجنر که از زمان دوره دانشجویی در دانشگاه هاروارد بسا سیا همکاری می کرد، ملاقاتهای متناوبی با اردشیر زاهدی داشت. همانطور که قبلاً گفته شد اردشیر زاهدی در تظاهرات دوفوقی که به نفع شاه در ایران برپا شده بود دست داشت و طبق اظهار یکی از دیپلماتهای سفارت خود اردشیر زاهدی در امریکا او سعی در باز گرداندن شاه بسه ایران با توسل به زور را داشت.

از آنجا که شلزینگر و کسیجنر برای وقایع نویسی ایران کافی نبودند ژنرال

سیا و پنتاگون برای پیاده کردن نیرو، حمله به سفارت امریکا در ایران را طرح ریزی کرده بودند

بر نظمی در بازار خارجی جلوگیری کند - حداقل یکی از محققان به این نکته رسید که همین جمله خود دخالت بزرگی از سوی امریکا در امور تجارت کشورهای خارجی است. بالاخره برخلاف گفته قبلی مینی بر اینکه تنها برای ۷۰ روز نفت ذخیره دارد شلزینگر از طریق یکی از دستیاران خود بنام «جیمز بېشاپ» این گفته را تکلیف کرده و اعلام داشت که امریکا برای یک سال ذخیره نفتی دارد. برخلاف اظهارات بلومنتال وحشی که شلزینگر ایجاد کرده بود ادامه یافت و توسط یکی از سخنگویان ناشناس او بیان شد که موقعیت ایران باعث می شود که امریکا وادار به ذخیره نفتی برای مدت ۲ سال خود شود. شلزینگر همچنین بسه سازمان خدماتی امریکا اعلام کرد که این کشور هنگامی که تمام انبارهای آن پر باشد نفتی برای ذخیره اضطراری خواهد نداشت. یک هدف دیگر شلزینگر متقاعد ساختن کنگره برای عدم کنترل قیمت نفت بود که در نهایت باعث بالا رفتن بیش از حد قیمت نفت شود و سود بیشتر برای کمپانیهای نفتی بوجود آورد که در طی سال بیشترین رکورد سودآوری را بسه دست آورده بودند و شلزینگر همیشه برای سود سهامداران شرکتیهای نفتی خدمت کرده بود. آشکار کننده این خدمت شلزینگر به این عبارت بیان شده است «یک عمل ناقص برای ایجاد چنجایی تازه دولت» که قبلاً توسط کمپانی های نفتی حتی با کنترل قیمت نفت شروع شده بود. هدف دیگر شلزینگر شاید ارتباط بین خروج شاه از ایران و خرابی وضع اقتصادی مردم امریکا باشد.

این موضوع فضائی ایجاد خواهد کرد که به بازگرداندن شاه از سوی مقامهای حکومتی امریکا یا ایجاد یک رژیم کاملاً طرفدار غربی و یا وادار ساختن دولت جدید به قبول سیاستی که شاه با امریکا داشت بیانجامد.

این مهم است که بیان آوریم که شلزینگر وزیر دفاع پیشین و رئیس سابق سازمان سیا بوده است و بنابراین کاملاً از عملیات هر دو سازمان آگاهی دارد. برای مثال شلزینگر در سال ۱۹۷۳ به پشتیبانی از کسیجنر و ژنرال «هیگ» با بصدا در آوردن اعلام خطر درباره مواد هسته ای، امریکا را تا نزدیک یک جنگ پیش برد. بسیاری از مردم فکر می کردند که این زنک خطر بهانه ای برای برگشت توجه آنها از مساله نیکسون در واترگیت بوده است. شلزینگر در یکی از اظهاراتش گفته بود که تصور می کند قوای شوروی در راه هستند و تعدادی از مردم این را دلیل ضعیفی برای آن زنک خطر خواندند. او حتی بیشتر از این پیش رفت و مساله واترگیت را انگیزه این زنک خطر دانست و دلایل خود را به این شرح بیان کرد. «من فکر می کنم در شرایط دشوار کنونی یک سوال برای اکثریت پیش آمده یا پیش آید که آیا امریکاقدرت عمل سریع و قاطع در مقابل این پیشامد را دارد؟ چالب توجه اینکه روز بعد هنگامی که روزنامه ها اظهارات او را در مورد ایران منتشر کردند واشنگتن پست اظهارات

هیگ هم مطالب و مفروضات خود را چنین می نگارد «وقایعی که در ایران روی داده است بدون توجه به اینکه شاه درباره سرانجام آن خوشبین یا بدبین باشد به هر حال یک تهدید جدی برای دنیای غرب است که باید سیاست غرب در این مورد تغییر کند. بازگشت به این گفته کارت «با هیچ تعابلی به مداخله در امور ایران نداریم» باید کاملاً مطمئن بود که این دعوای پیش نیست، زیرا کارت شخصاً از خیلی پیش در امور ایران دخالت مستقیم داشته و در نانی صنایع وابسته دولتی امریکا تعالی زیادی به مداخله و نفوذ سیا و پنتاگون در ایران داشته است البته این بدان معنی نیست که سیا و پنتاگون تازه به دخالت در ایران مشغول شده اند بلکه سایه این دو سازمان سایانی است که در ایران گسترده شده است. با انتشار عملیات سیا و پنتاگون که زیاد به ایران شد زیرا همداری بود برای مردم این سرزمین که بی به اصل این خطر حقیقی بپردازند و همچنین کارت را در برابر سئوالهای مشکلی قرار دهد.

همه جا حاضر است و فارغ التحصیلان با حداقل تعداد در همکاری با سیا مشغول فعالیت هستند که احتمالاً هنوز هم هر دو سازمان به فعالیت خود در ایران ادامه می دهند که مسلماً مردم ایران تمایل شدیدی در شناختن این افراد دارند و می خواهند بدانند این افراد چه کسانی هستند. دلیل واضح و مهمی که نشان دهنده فعالیت سیا در ایران است وجود دوعملیات شبه نظامی در ایران از زمان برقراری دولت خمدی است.

در یازدهم فوریه ۷۹ حمله ای از سوی متخصص سیا یعنی سرگرد «ارتور بال» طرح ریزی شد که توسط چهارده امریکایی با سابقه اطلاعاتی و تجربه کافی انجام شد. این حمله به زندان قصر و تحت عنوان آزادی دوتن امریکایی که در این زندان اسیر بودند بنامهای «ویلیام گی لورد» و «پل شپرونی» انجام شد. امریکایی دیگری که در این حمله آزاد شد «مری آلن شلیندر» از مرلند بود. او در اصل در سال ۱۹۷۷ به استخدام کارخانه هلی کوپترسازی امریکا در آمد و به ایران آمد. در زمان اسارتی در زندان از سفارت خواسته بود که هیچ خبری راجع به زندانی بودنش در ایران به بستگان و دوستانش ندهند و آنها هم هیچ خبری از او در طول اقامتش در ایران نداشتند و نمیدانستند که او واقعا در ایران به چه کاری مشغول است.

بعد از رهائی از زندان به سفارت مراجعه کرده و فقط در تماس کوتاه تلفنی با سفارت گفته که از زندان آزاد شده است. کمی بعد مجدداً بعلم نامعلوم دستگیر شد. شخصی که بوجه این حمله را تأمین کرد یک میلیون دست راستی با داشتن سابق عملیات در سیا بنام «اس پروت» است. او از طریق دوست بازنشسته ای به نام دریادار «توماس مور» که از دوستان نزدیک رئیس سیا «استانسفیلد ترنر» بود اخبار می یوت به این حمله را به کاخ سفید، پلیس ایالتی، پنتاگون و سیا اطلاع داد. پروت صاحب کارخانه ای بلوم سیستم الکترونیکی داتا - ای. دی. اس. که قراردادی معادل ۴۰ میلیون دلار با شاه و ساواک جهت ردیابی و گردآوری مدارک درباره کلیه دانشجویان ایرانی که در مناطق مختلف دنیا بخصوص امریکا تحصیل می کنند بسته بوده است و این دو امریکایی «ویلیام گی لورد» و «پل شپرونی» در استخدام این سیستم هستند و شاید دلیل حمله غیر قانونی به زندان قصر برای آزادی این دوتن بوده است، اگرچه این روشنگر دخالت مری آلن و بقیه امریکایی ها و یک کانادایی که در این

«سیا» بار دیگر مشغول سازماندهی تشکیلات خود در ایران است.

حمله از زندان آزاد شده اند نیست. چالب توجه اینکه یک سخنگوی ناشناخته شرکت ای. دی. اس. مشاورت این موسسه را برای ایران تکلیف کرده ولی نظرات آنها را برعکسستان سعودی در امریکا تسکید داشته است. در چهاردهم فوریه ۷۹ سفارت امریکا در تهران معاصره شد و سئوالهای بی-جواب و جنبه های مختلف کشف نشده ای را باقی گذاشت. اولین حالت دستور سریع سفیر امریکا ویلیام سالیوان به تفنگداران دریائی بود که از آنها خواست برخوردی با حمله کنندگان نداشته باشند. دوم وجود غیرمترقبه «مری آلن» در سفارت که علیرغم اینکه در استخدام دولت امریکا نبود در آن زمان بطور موقت در سفارت زندگی می کرد. سومین جنبه ناراحت کننده، وجود عکاس خبرگزاری یونایتد پرس - توماس کارلس - بود. که حمله کنندگان را همراهی می کرد.

چهارمین حالت کمیج کننده تماس مستقیم تلفنی و رادیویی بین سفارت معاصره شده با پنتاگون و سیا بود که به احتمال زیاد این مصیبتا توسط حمله کنندگان قطع شده بود. این تماس توسط دوابرانی ناشناخته و یک پیرمرد ۵۴ ساله امریکایی بنام چارلز واترز به پایان رسید واترز یک متخصص بخش صدای آماتور و رئیس شرکت مهندسی «سینکو» در «اورلاندو» فلوریدا است. و حتی اخیراً خواهر و شوهر خواهر او در تهران زندگی می کردند و شوهر خواهر او هنوز به دلایل فاش نشده ای در تهران پس می برد. واترز یکی از متخصصان بخش صدای رادیویی قسمتی از متخصصان رادیویی سراسری است که در سال گذشته در شوشهای ایران تماسهایی داشته است. کامل کننده این عملیات رادیویی افرادی به بقیه در صفحه ۷

اسرار فعالیت سازمان «سیا»

بقیه از صفحه ۶

نامهای «نیل مالپاس» از امان اردن هاشمی آقای «لی وینس» از سربلند و متخصص ارتباطات سیا بنام ریچارد پرایس ازیوتوماک مریلند.

بدنبال محاصره سفارت آمریکا ، شوروی که اوج فرستاده شده توسط واترز را کنترل می‌کرد - و واترز تأیید کرده است - اعلام داشت محاصره سفارت نشه ساواک و سیا بوده است و به این دلیل صورت گرفت که امریکا بتواند ارتش خود را بطور آشکار به ایران وارد کند.

روز بعد رهبر اقلیت سنا «هوارد بیکر» این حمله را از نظر مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران و امریکا محکوم کرد و آترا نظیر حمله فروگاهه انتبه ناهید.

تعداد زیادی از مردم از نحوه فعالیت های گرمیت روزولت و نورمن شوآرتسکف در سازمان سیا با خیر هستند و در زیر اسامی ناموران و همکاران سازمان سیا که از سال ۵۳ در ایران فعالیت داشته‌اند ذکر شده است.

هوارد استون از طرف سیا ماموریت داشت که با ۲ تن از اعضای سفارت امریکا علیه دولت سوریه فعالیت کند. سازمان سیا «استون» را با نام مستعار «واکی» می‌شناخت او در سال ۵۲ به‌عنوان کارمند وزارت خارجه به ایران فرستاده شد و در کودتای ۲۸ مرداد بطور مخفی و پنهانی فعالیت می‌کرد.

پالمرونی، در سال ۶۹ سرپرست

کسمت تحقیق وزارت دفاع امریکا بود و در طول سالهای ۵۱ تا ۵۲ و هنگام اوج فعالیت پنتاگون در ایران، پالمر بطور ناگهانی به‌عنوان سرپرست کارمندان امور خارجه به ایران فرستاده شد و در کودتای ۲۸ مرداد بطور مخفیانه فعالیت می‌کرد.

بابیز جورج میلتون، او یک مامور سیا است که به‌عنوان افسر ذخیره امور خارجی در سالهای ۵۳-۵۱ در ایران فعالیت می‌کرد و سپس به‌عنوان متخصص تحقیقاتی فعالیت خود را ادامه داد.

جان والی یکی دیگر از ماموران سیا بود که بین سالهای ۴۹-۱۹۴۷ بطور مخفیانه در تهران فعالیت می‌کرد و سپس دسساله های ۵۳-۱۹۴۹ در مشهد و تهران انجام وظیفه می‌کرد.

جوزف گودوین در سالهای ۵۵-۱۹۵۲ در ایران فعالیت مخفیانه داشت و در کودتای ۲۸ مرداد نقش عمده‌ای داشت و در یکی از عملیات با همکاری خیرنگر نیویورک تایمز با انتشار اعلامیه‌هایی برتری سرلشگر زامدی را بر مصدق وموقفت‌او را تأیید کرده بودند.

ویلیام سولیوان ، او سفیر امریکا در ایران بود و در طول مدت خدمت سیاسی با سازمان سیا همکاری می‌کرد. سولیوان فعالیت خرابکارانه سیا در لائوس را اداره می‌کرد. او به تازگی از ایران رفت.

کارمندان سیا که نام آنها در زیر می‌آید از دسامبر ۷۸ در ایران فعالیت میکردند «چارلز ناس» متخصص امور تحقیقاتی بوده است و در سال ۱۹۵۵ به عنوان مامور سیاسی در کراچی و پاکستان کار می‌کرد

و به‌تأویب در هند، افغانستان. ترکیه خدمت می‌کرد و همچنین به عنوان مسئول امور ایران در امریکا فعالیت داشت.

جورج لامبراکس متولد ایلینویز است و اولین شغل دولتی او آموزش اسود عوامی در سایگون و ویتنام بسود. او سرپرست امور خارجیان شد و سپس به عنوان متخصص تحقیق در امور گینه، آلمان، اسرائیل، ایتالیا، انگلیس و لبنان در این کشورها کار می‌کرد.

لوتیز گولز، در نیروی هوایی امریکا خدمت می‌کرد او محقق بخش تحقیقات امور کشوری در نیروی هوایی امریکا بود که این شغل همیشه از سوی سیا اداره می‌شد.

رابرت میلز به عنوان دستیار برنامه امنیت عوامی در تایلند کار می‌کرد و برنامه‌ها و نقشه‌های پلیسی خود را در آنجا آغاز کرد و در انونوزی ، «کیف» شوروی خدمت می‌کرد و در دسامبر ۷۸ برای جانشینی رابرت گینجلز و تعقیب عملیات سیا به ایران آمد.

جان میلز، او در سان‌سالوادور،

بن‌غازی، ونزوئلا و بولیوی خدمت می‌کرد. او متخصص اطلاعات عملیاتی سیا بسود و در دسامبر ۷۸ وارد ایران شد و جانشینی راجر بروین را که یکی دیگر از متخصصان سیا بود پذیرفت.

جوزف هاری، او در کشورهای فرانسه، هند و انونوزی خدمت می‌کرد و در دسامبر ۷۸ برای جانشینی دودیو وستلی به ایران آمد.

رابرت بانرمن، او قبلا در کامبوج، پرو و لائوس و هنگام جنگ امریکا در وین

سوزمینیا کار می‌کرده است. جان مترنیکو، او معلم ایچن صلح در ایران و ترکیه خدمت می‌کرد و نامش در دسامبر ۷۸ به سرپرستی امور خرجیان در ایران تغییر شغل داد.

ویکتور نامست، متولد اورگون بود و در نیال خدمت می‌کرد و با دانستن زبان فارسی در سال گذشته به ایران آمد. ...

نشریه کاتر اسپای به دلیل محاکمات ویژه‌ای که در ایران می‌شود از ذکر نام ایرانیان فارغ‌التحصیل سازمان سبسا و دستگاههای پلیسی امریکا خودداری می‌کند، لیکن این اسامی در صورت تمایل افرادی که برای دفاع از خود نیاز به شناخت ایرانیان مامور در سیا دارند، با درخواست شخصی در اختیار آنها قرار داده خواهد شد.

۱- شرحی از این کنفرانس مطبوعاتی در ۲۶ ژانویه ۷۹ در نیویورک تایمز چاپ شده بود.

۲- ماموران سیا و پنتاگون در پروژه آپیکس که عملیات ایرانیان را برای ساواک ضبط می‌کرد فعالیت داشتند، آپیکس همچنین اطلاعاتی را در اختیار موساد سرویس اطلاعاتی اسرائیل قرار می‌داد.

در همین مقاله عنوان شده است که ۱۵ تن از ماموران سیا تحت عنوان گروه مشورتی امریکا مشغول فعالیت و جمع‌آوری اطلاعات و هنوز هم در ایران هستند و از ۲۱ فوریه ۷۹ حدود ۲۰ پرسنل نیروی هوایی امریکا در کارگاه کابکان و ۱۵۰ امریکائی به اضافه ۳۰ پرسنل نیروی هوایی

برگزیده مطبوعات

امپریالیسم راسمایل اصلی و جدایی‌ناپذیر ایران در دوران کنونی می‌دانند و براساس این معیار است که عمل سیاسی خود را تنظیم می‌کنند. بزرگداشت ازقیام سهام تیر فرصت دیگری برای تأکید هرچه صریحتر برمسائل اساسی انقلاب ایران است.

اکنون که می‌رویم تا هرچه باشکوهتر سالگرد قیام سهام تیر را برگزار کنیم، توجه به یکی از مشخصات بزرگ این قیام نیز می‌باید رهنمون همه نیروهای ترقیخواه و انقلابی در این مرحله از انقلاب ایران باشد.

سهام تیر، این سرآغاز قیام مردم علیه سلطنت و استعمار، حساسه وحشت یکنارچه نیروهای خلق بود. وحدتی که استعمار و ارتجاع را در هم شکست و نهضت ضد استعماری ملی کردن نفت به رهبری مصدق را در راه پیروزی نگه‌داشت.

پیغام امروز

قیام ملی سی تیر اوج نهضت ضد استعماری مردم ایران در آستانه بیست و هفتمین سالگردقیام ملی سی تیر خاطره پیروزی مردم قهرمان ایران بر استعمار و ارتجاع را گرامی- مبارزیم و یادیر شکوه شهنشای بخون خفته این قیام خونین که پیش‌تازان نهضت انقلابی مردم ایران می‌باشند و یاد همه شهنشای جنبش ضد استعماری مردم ایران را ارج می‌گذاریم .

قیام سی تیر اوج پر شکوه و خونین نهضت ضد امپریالیستی مردم ستمدیده ایران است . راستای این نهضت که هدفش قطع سلطه بیگانگان و استقرار حاکمیت ملی است بر انقلاب و استقرار ایران استوار است . انقلاب-پر افتخار مشروطیت ایران که با هدف سرنگونی نظام استبدادی و برجیدن بساط خود - کاملی صورت گرفت به پیروزی رسید اما مرتجعین و عمال استبداد در سایه سیاست های امپریالیستی بیگانگان مانع تحقق هدف اصلی انقلاب که حاکمیت ملی و حکومت مردم بر مردم بود شدند. با برقراری دیکتاتوری بیست سالهرضاش خان امپریالیستبا سيطرة خود را بر مردم ستمدیده ایران تحکیم کردند . چپاول تاراج نفت ایران ، این سرمایه و ثروت عظیم مردم ایران بوسیله استعمارانگلیس و عاملین مرتجع و جنایتکار داخلی در چنین شرایطی آغازمیشود. ملت آگاه و حق طلب ایران علیه ظلم و ستمحکومت- های استبدادی و علیه امپریالیستهای غارتگر فریاد بر می آورد ، فریاد علیه استبداد ، فریاد علیه استعمار و فریاد علیه تاراج نفت ادامه این نهضت در سال ۱۳۲۸ اوج عظیمی میگردد و این نهضت ، نهضت ملی شدن نفت نام می-گیرد .

امریکا در بهشپر هستند. ۳- با وجودی که چند تن از پرسنل امریکائی از ایستگاههای رادار ساحلسی رفته‌اند ولی گفته می‌شود هنوز ایران را ترک نکرده‌اند.

آخرین یسادهداشت از آپیکس نشان می‌دهد که يك ایرانی متولد به نام«بولفتح محوی بطور غیرقانونی قرارداد آپیکس را به دست آورده بود و اینکار توسط شرکت خدمات هوائی او در برمودا انجام شده‌بود. بعضی از کارخانه‌های امریکائی که افراد سیا در ایران و به‌عنوان کارمند بخش خصوصی نگهداری می‌گردندعبارتند از راکول اینترناشنال، هانیول، بل‌هلیکوپتر اینترناشنال پاکارد، ولانکیزر جاسنسون و سیستم الکتریکی داتا بوده‌اند.

۴- واشنگتن استار در يك مقاله می‌نویسد بیش از هزار وپانصده ایرانی در امریکا آموزش نظامی می‌بینند و پسر شاه، يك خلیبان و يك دسته کامل نیروی دریائی هم با این عده هستند.

۵- هاپیزر در ۳ فوریه ۷۹ بعد از فریادهای مرگ برهاریز ایران را ترک کرد و اینهم یکی دیگر از عملیات ریاکارانه «اریک ماریوبو» است که قبلا در عملیات سیا در ایران دخالت داشت و از جمله در عملیات آپیکس و همکاری با برژنسکی و شاه مشغول شناخته شده است و مانند او در ایران موضوع مهمی را گوشزد می‌کند، به دنبال بازگشت هابسزر، ژوزف کرافت یکی از افسران سیا» گزارش داد

علیه دولت ملی دکتر مصدق آغازکردند. دکتر مصدق در يك جلسه مجلس ، از مجلس بیرون آمده در میدان بهارستان مردم سخنرانی کرد وگفت :«آنجادزگاه است هر کجا مردم باشند آنجا مجلس است .» پوستر سخنرانی آنروز دکتر مصدق بخش شده و در همه جا هست

یکی از خلعات برجسته و ارزنده دکتر مصدق همین بود که با صداقت حقایق را با مردم در میان می‌نهاد و مردم نیزتستیم به کشور و کار های سیاسی علاقه‌عینی نشان میدادند. این‌وضع برای ارتجاع داخلی که در راس آنها شاه مخلوع قراردداشت و امپریالیسم خارجی حامی او قابل قبول نبود. بنابراین تصمیم گرفتند که دکتر مصدق عزل کرده و قواوم‌السلطه را بجایش بنشانند.

چنان هم کردند ، قواوم‌السلطه اعلامیه معروف «کشیتیان را سیاست دگرآمده» را بیرون داد وملت ایران را تهدید باختناق و سرکوبی نمود . فراکسیون جبهه ملی در مجلس شورای ملی اعلان اعتصاب عمومی کرد ، تمام افراد ملت ایران باین اعتصاب پاسخ مثبت دادند ایران يك پارچه تبدیل به دریای‌خروشان گردید ، روز ۳۰ تیر ۳۱ ازاول روزاتمام ایران بدیاری طوفانی مبدل گشت . نویسنده خود صفحه هائی را ناظر بودم.

در تهران اول خیابان فردوسی مردم را دیدم که با دست خالی تانگی را به‌صرف دآوردند و خشمه آنرا بیرون کشیدند ، جوانی را در خیابان اکیاتان تیر خورده دیدم که هنوز جان داشت و با انگشت و خون خود بدیوار نوشت : «از جان خود گذشتیم ، با خون خود نوشتیم‌یا مرگ یا مصدق» گزارشهایی از شهرهای دیگر داشتم . در اهواز و آبادان تانگها بروی مردم رفته و آنها را زیر گرفته و عمده‌ای را برودخانه کارون ریخته بودند، جانبازیهایی آنروز ملت قهرمان مابسیار افتخار آفرین بودو هرگز از یادم نمی‌رود، آنروز ما نظامی‌بودیم و عصرجلسه‌داشتیم که با مشورت یکدیگر همگی نصف ملت به‌پیوندیم . هیئت حاکمه‌وحامیان خارجی او با آزمایش توان ملت چون سینه را بر زور دیدند عقب نشینی کردند ودوباره دکتر مصدق روی دست مردم از احمدآباد

به گرمی نخست وزیری نشست‌عصر میخواستم بروم به جلسه یاد شده‌دیدم مردم در خیابانهای تهران از هر حزب و دسته‌ای یکدیگر را به آغوش کشیده

این پیروزی ملی را جشن گرفته‌اند ،قبلا در میان افراد جبهه ملی و حزب سوده اختلافهای زیادی بود ولی آنروز همه اختلافها تبدیل بپوستی گردیده بود . چه روز پر شوری و چه پیروزی‌درخشان انقلابی يك چنین پیروزی‌بهرانی را باره‌غان می آورد . یاد شهیدای ۳۰ تیر گرامی یاد .

جبهه ملی

که هاپیزر به دلیل نگهداری و حفظ یکپارچگی ارتش برای حمایت از بختیار در ایران ماند و او يك پیام شخصی از کاتر مبنی بر حمایت امریکا از بختیار و گمکس به ارتش ایران همراه داشته است و بعداز اینکه هاپیزر ارتزی خود را در نیروبخشیدن به بختیار از دست داد، در يك ملاقات خصوصی کاتر به ملاقات کشندگان گفته بود که انتظار دارد بختیار بتواند برحمتی غلبه کند و اگر لازم باشد نیروی نظامی برای زنده نگهداشتن مشروطیت دخالت خواهد کرد.

هاییل و قابیلهای مارکس

بقیه از صفحه ۳

در این میان دیدگاههای ناظرین غربی با آنچه که در اروپای شرقی به شمار رفت، اختلاف دارد. اینان عقیده بر این دارند که مسئله ویتنام و کامبوج بدینگونه در روابط دو کشور تأثیر منفی گذاشته است. لیکن همه در این مسئله هم زبانند که تا زمانی که چین با ویتنام سرشاخ است، امیدی به تحولات عمده در روابط چین و شوروی نمی‌رود. مسئله‌ای که بسیار واضح و معرّض می‌نماید این است که چین از انقلاب کمونیستی خود تاکنون همیشه در تمام مسائل بسیار تندرو و افراطی بوده. زمانی مسکو به خاطر سیاست اعتدال‌پدیش در برابر امریکا سرزنش می‌کند و زمانی طرح دوستی با دنیای آزاد می‌زدند.

انقلاب اسلامی

۳۰ تیر ۱۳۳۱

این خون زحمتکشان

ایران است

در خیابان اکیاتان یکی از کسانیکه هدف گلوله قرار گرفته بود در آخرین دقایق زلفی با خون «خود» بر دیوار مجاور چنین نوشت : «این خون زحمتکشانیان ایران است» زنده داد مصدق مرگ بر قواوما زمین تهران با هر فریاد «مصدق پیروز است» قهرمانی را در آغوش سوزان و خونین خود می‌گرفت ورزش مردم بسوی میدان بهارستان بود و بیشتر کشتاردر خیابانهای اطراف میدان صورت گرفت . در سایر شهرستانها وضع بهمین‌منوال بود : تیریز سرزمین دلاور خیز ایران و زادگاه ستار بزرگ خود را برای نبرد آماده و بدفاع از حکومت مصدق پرداخت. آبادان و اهواز و سایر شهر های کارگری ایران در زیر گامهای هزاران کارجو بلرزه در آمده بود. کفن پوشان کرمانشاه و همدان برای نثار جان خود در راه نهضت مصدق عازم تهران شدند و در تظاهرات قزوين حضور آنان رونق خاصی بخشید در تمام شهرستانها - بازاد - دکانها - فروشگاهها و پمپ ها هم حرکت نمیکردند . در این روز عده زیادی از افسران و سربازان به - طرف مردم آمدند و از فرمان مافوق خود سرپیچی کردند امیر بجار دانشجوی دانشکده افسری هنگامیکه صفوفمتشکل مردم را دید بهسربازان که در حال کشتار ملت بودند فریاد برآورد که من نمیتوانم دستم را به خون هم‌پیمانم آغشته کنم و سپس یونفرم خود را بدور افکند و به مردم پیوست و سرانجام جان خودفدا کرد و دامشهادتدر پیش گرفت یادپاری مردم که بسادگی بخاطر پیروزی باستانبال مرگ میرفتند از يك طرف و زمزمه‌مطلبان و نافرمانی افسران شراقتندارتش ایران از طرف دیگر پشت‌شاموسایه ارتجاعیون در چشم استعمارگران خشکند . در این روز تاریخی صد ها تن در سراسر کشور افتادند و شربت شهادت نوشیدند . هزاران نفر زخمی شدند . اکثر گشته شدگان را ارتش جمع و نابود میکردند. در اهواز اجساد کشته شدگان را به رودخانه کارون ریختند و لذا فقط تعداد کم‌رک در بیمارستان جان‌سپردنداجسادشان بگسست مردم افتاد و در آرامگاه شهیدای ۳۰ تیر در این‌بابویه بخاک‌سپرده شدند .

ساعت ۴ بعد از ظهر تانگها و زره‌پوش ها و کامیونها بر از سرباز مجبور به عقب نشینی شدند و مردم زمام امور شبر ها را به‌عبدعه گرفتند . مهندس حبیبی یکی از رهبران جبهه ملی پیروزی مردم را از دادیو اعلام کرد . آن تا چند روز دردمست انتظامات شبر آید. آن تا چند روز دردمست مردم بود و شهر تهران برای اولین بار در عمر خود بدون کوچکترین حادثه‌ای زلست .

امید ایران

با خون خود نوشتیم :

یامرگ یا مصدق

ما جوانهای بین سی تا سی و پنج سال چه گناهی کرده‌ایم ؟ ما نسل خفه وکیج و منگی هستیم که عروسکوار ، زیر علم استعمار و زور و دزدی و دغل و خیانت خفتان ۲۶ ساله نامهار بازار جنسون ازبامبری سینه زده‌ایم . مخصوصا درس خوانده ها و منزه‌سه‌امان ، بی آنکه‌خود بخواهم ایشاء های بلند بالا و کلمات و جملات پر طعطر از در وصف جمال‌مافوق و کار های ریز و درشتش نوشته‌ایم و در عصر دهیسی ، هیس و لبرگیزدنیو فرو خوردن حربیا - چیزی از مبارزه و حق طلبی نشنیدیم و ندیدیم . هر‌روز رفتیم ، بالای پائین پریدیم ، پیرانهایی رنگ وارنگ پوشیدیم و همه روز های دستوری و فرمایشی را جشن گرفتیم و عزا گرفتیم . روز چهارم آبان ، روز نهم آبان ، روز پانزده‌سپمن ، روز ششم سپمن ، روز قیام ملی ۲۸ مرداد ، مسخره است . تا همین اواخر نمی‌دانستیم . اسم «اصلی» قیام ملی ۲۸ مرداد «روز ننگ» کودتای امریکائی ۲۸ مرداد» بود که ما را چنین اخته و بیچاره ولال و زبون باز آورد . چند نفر ازما در حرکت واقعی مبارزه مردم علیه ظلم قد علم کردند ؟ خیلی کم ، و شجاعانه دل به شکنجه و تیرباران و سیانور دادند . روستا، بقیسه انگار، فلج بودیم . انگار آرد تو دهانمان بود .

آزادی

۳۰ تیر : روز قیام علیه

استبداد و استعمار

مردم ایران در شرایطی به استقبال بزرگداشت قیام سهام تیر میروند که جامعه پس از انقلاب با دشواری های فراوانی روبرو است .

امروز دیگر کسی نیست که این واقعت را امرکز کندکه ایران دستخوش ناسامانی روز افزونی است . دولت تا آنجا که وجود دارد ناتوان و هراس زده و سر - گردان است . نمی‌داند چه می‌خواهدو روشن است که چه می‌کند . تنها نکته آشکار کارنامه او ، هراس از مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش است . در مراکز تصمیم گیری دیگر ، این‌هراس از مشارکت ، به صورت انحصار طلبی جاوه می‌کند و این انحصار طلبی بخون خفته قدرت اجرایی ، به تشتت مراکز تصمیم گیری و گسترش نا فرمانی دامن می‌زند .

امروز دیگر سخن از «ملوک‌الطوایفی» و «خانخانی» و «چندگانگی مراکز قدرت» یادآوری چیز خصیصه شناخته شدهایران پس از انقلاب شده است . هر کسی-ب-سویی می‌رود وازهرجا نغمه‌ای به‌گوش می‌رسد : فلان امیر ارتش حسرت میخورد که چرا از ارتش نمی‌خواهند که بروی مردم آتش بکشاید «ارتش که قدرت بیشتری دارد ؟

بدانندی در برابر مسائل ومشکلات‌همه جا به چشم میخورد برای فرار از این درماندگی است که اولیای امور می‌کوشند با طرح مسائل فرعی (آرایش زنان ، مقررات آب تنی وووو)اذهان وازرویداختن به مسائل اساسی‌که موجودیت انقلاب را می‌تواند به خطر اندازد بازدارند .

مسائل اساسی انقلاب ایران را هرلحظه یادآور شویم تا نتاسایی اصل از فرغ دشوار نباشد : انقلاب ایران ، انقلاب علیه استبداد و امپریالیسم است. مبارزه برای حصول بر این دو هدف از یکدیگر مجزی و ممتاز نیست . هر گام در راه استقرار دموکراسی ، گامی در راه برانفالتن امپریالیسم است و هرضربه بر امپریالیسم، آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک مردم را قوام و دوام می‌بخشد.

از این‌روست که نیروهای انقلابی مبارزه برای تحقق روابط دموکراتیک در کلبه سلطوح جامعه و مبارزه برای طسرد

همچنان به اندیشه جمه‌ای وفادارم

بقیه از صفحه اول
من حساب خود نیست حزبی بوده که از سازندگان جبهه ملی بوده و همچنان به اندیشه «جبهه‌ای» بر طبق رهنمودهای دکتر مصدق وفادار هست و یکتا بزرگ ملی را زیر نام یک جبهه همواره پشتیبانی می‌کند اما در باره کسانی که به نام

بازی با آتش ...

بقیه از صفحه اول
چنانچه آمریکا دست به این بازی خطرناک بزند بساگی از آن خارج نخواهد شد و دنیا را با بحرانی شدید روبرو خواهد کرد.
زیرا اگر نیروهای نظامی آمریکا تحت عنوان حفاظت جابه‌ای نفت در منطقه خلیج فارس وارد عمل شوند و دست به اشغال نظامی بزنند با عکس‌العمل شدید ملت‌های مستعبد این منطقه روبرو خواهند شد و رقیب کاخ سفید نیز ناچار به دخالت خواهد بود.
آنچه مسلم است این صحنه برای افکار عمومی آمریکا دلپسند نخواهد بود زیرا آنها تجربه غم‌انگیزی از جنگ ویتنام بدست آورده‌اند.
شاید همزمان با جنجال تبلیغاتی کارتر تحت عنوان دخالت نظامی در خلیج فارس طرح‌های سیاسی دیگری نیز برای اغتشاش در منطقه طرح ریزی شده است.

ولی جایگاهی در مبره‌های سیاسی منطقه و نفوذ دادن حقوق‌بگیران سیا در کارهای رهبری نیز نمی‌تواند چهارساز شکست مفتضحانه دیپلماسی آمریکا در خاورمیانه شود زیرا هیچ قدرتی قادر به جلوگیری از دگرگونی اجتماعی و سیاسی در منطقه خاورمیانه نخواهد شد و ملت‌های مستعبد این منطقه بسا بازی‌های گوناگون واشنگتن آشنا شده و با آن مقابله خواهند کرد. اما در پاره تحولات ایران آنچه مسلم است ریشه انقلاب، ضدامپریالیستی و ضد صیویتیستی است و ایران بعد از انقلاب برعلیه هرگونه استعمار و استعمار بیا خواهد خواست و مانع رشد آن خواهد گردید.
ملت ما طعم استعمار و استثمار را بغویی چشیده و همیشه آماده مقابله با آن است و دیگر نمیگذارد که منابع طبیعی و ملی او را به تاراج ببرند.
سیاستمداران کاخ سفید بسا مطمئن باشند که دخالت نظامی در ایران یعنی بازی با آتش.

ادامه توطئه‌ها ...

بقیه از صفحه اول
حاکمه بود
هنگامی که دم از فضای باز سیاسی زده شد مردم آنرا بفضای سبز سیاسی برای جریدن بیشتر مصادر امور تعبیر کردند و وقتی این تعبیر به واقعیت پیوست و جانشان بلب آمد قیام کردند ، کشته شدند و کشته دادند تا بدروغ گویان ثابت کنند که دیگر فریب آنها را نخواهند خورد و تمسیق نخواهند شد . این حالت بدینی نسبت به دستگاه حاکم با وجود پیروزی انقلاب که فقط در اثر یاداری رهبر آن و امید بدرگون شدن جو دروغ و تزویر به نتیجه رسیده بود در ضمیر ناخودآگاه مردم باقی ماند منتسبا درک و شناخت مردم از قدرت انقلابی خود و ایمان به صداقت و یابردی رهبر انقلاب و اینکه باید به حکومت برگزیده خود وقت کافی برای اثبات صداقتش داده شود مردم امیدوار را بسکوت درمقابل وعده ها واداشت . وحدت شعار انقلابی ، استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی شعار وحدت مردم شد و تمام گروه‌های مردم برای بدست آوردن استقلال و آزادی در تحت لوای جمهوری اسلامی اختلافات مسلکی و عقیدتی خود را کنار گذاشتند و یکپارچه و با وحدتی که تاریخ هیچ ملتی نظیر آنرا بیاد ندارد برای تحقق بخشیدن به آنچه از حق خود می دانستند و بارها از طرف رهبری مترقی انقلاب بسما و دشمنان تأیید شده بود خود را در دست دراختیار انقلاب گذاشتند . هنوز دقیقاً معلوم نشده که سیاست‌های پشت پرده بوسیله چه

عواملی برای انحراف نهفت از راه اصلی آن اعمال می شود و چرا در نامناسب‌ترین موقع ممکنه شعار هائی طرح می شود که خود موجب تفرقه و تشتت است و مردمی را با عمیق ترین احساس اعتماد نسبت به انقلاب و رهبری بیخود و بی جهت بدبین می کند؟ هنوز برای خیلی ها این ترس جانانشان بلب آمد قیام کردند ، کشته شدند و کشته دادند تا بدروغ گویان ثابت کنند که دیگر فریب آنها را نخواهند خورد و تمسیق نخواهند شد . این حالت بدینی نسبت به دستگاه حاکم با وجود پیروزی انقلاب که فقط در اثر یاداری رهبر آن و امید بدرگون شدن جو دروغ و تزویر به نتیجه رسیده بود در ضمیر ناخودآگاه مردم باقی ماند منتسبا درک و شناخت مردم از قدرت انقلابی خود و ایمان به صداقت و یابردی رهبر انقلاب و اینکه باید به حکومت برگزیده خود وقت کافی برای اثبات صداقتش داده شود مردم امیدوار را بسکوت درمقابل وعده ها واداشت . وحدت شعار انقلابی ، استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی شعار وحدت مردم شد و تمام گروه‌های مردم برای بدست آوردن استقلال و آزادی در تحت لوای جمهوری اسلامی اختلافات مسلکی و عقیدتی خود را کنار گذاشتند و یکپارچه و با وحدتی که تاریخ هیچ ملتی نظیر آنرا بیاد ندارد برای تحقق بخشیدن به آنچه از حق خود می دانستند و بارها از طرف رهبری مترقی انقلاب بسما و دشمنان تأیید شده بود خود را در دست دراختیار انقلاب گذاشتند . هنوز دقیقاً معلوم نشده که سیاست‌های پشت پرده بوسیله چه

آئین با شکوه سی تیر

بقیه از صفحه ۲
پس از پایان سخنان خان جهانفر، رژه سیاسی ملی آغاز شد، گروه‌های مختلف بی‌هیچگونه نشانی از ویژگی‌های خود، تنها با شاخه‌های گل از مزار شهیدان سیم تیر گذر کردند و بر مزار شهید دکتر حسین فاطمی به نشان احترام قلبی خود لفظاتی توقف کردند. درگیری گروهی که گوشش داشتند با آدم و پلاکاره به سخن

اصالت ملی رادر وحدت باز یابیم

بقیه از صفحه اول
بروی هم اسلحه میکشند؟ هزاران چرا های دیگر .. و بالاخره این سؤال اساسی مطرح است ما شوش کردیم تا رژیم سر سپرده وابسته به بیگانگان را سرنگون سازیم قانون جنگل را جایگزین نظم، قانون و عدالت سازیم؟ آیا در فرهنگ انقلاب اسلامی ملت ایران جانی برای بی نظمی و خودسری وجود دارد؟ آیا فردا همتی و بی فکری و خود کمدی متمدن نخواهند کرد؟ هنوز صدای رگبار گلوله ها به گوش میرسد هنوز خون جوانان بر زمین میریزد، هنوز مادران داغدار در سوگ جوانان خویش مویه میکنند شگفتا! برما چه گذشته است؟ ما به کجا می‌رویم یا بهتر بگویم ما را به کجا میرند؟

بقیه از صفحه اول
کلمات، با همان شور دروغین، با همان خضوع ریاکارانه به درون انقلاب خزیده‌اند!
همانها که دیروز رادیسو و تلویزیون را از شکل يك دستگاه راعنا و سازنده بصورت جمعی سخرآمیزی درآورند که می‌توانست بر سازی گولا کند، و بسایران را به نوای آن برقصاند، امروز دایه‌های دلسوزتر از مادر شده‌اند و برای پاک کردن گناه آن خوش رقص‌ها و هم‌نواپی‌ها، به بارگاه

مسأله حجاب چرا به آن نحو در جامعه مطرح شد

بزرگی میروند که وقت گرانبایش بایستی صرف حل مشکلات حیاتی مین گردد و مسائلی با او در میان می‌گذرانند که اندک توجه به‌نوع تفکر و زندگی و مقام مذهبی آن بزرگوار قبل از طرح سؤال خود پاسخگوی دعوت می‌کردند من عملاً استعفا نداده‌ام، من متعلق به فرد یازدهی نیستم من متعلق به ملت ایرانم و نهفت ملی هم موجب ملت ایران است و منظور عالی نهفت ملی این انقلاب اسلامی است به رهبری آیت‌الله‌العظمی امام خمینی انجام گرفته که بجای ندارد آنها که به‌تقوا و پاکیزگی و صلوات و خلوص نیت امام‌اعتماد دارند هرگز نباید در راه نفاق و جدایی فکر کنند.

من خودم خودرا گانیداندمی‌کنم. من گذشته‌ی پاکي دارم که هیچ‌چای خدشاهی ندارم. با انقلاب برخاستم و در راه تقییر رژیم کوشیدم و امروز هم در خطرناکترین مرحله‌که سوءعقد دشمنی تار و مار رخنه‌ی دشمن است و هیچ تقسیم‌حلوانیست ظاهر می‌شویم همان اعتقاد به حق و عدالت است که مرا نگهداشته است برای من جبهه‌ای جز جبهه‌ی ملت وجود ندارد در چنین موقعیتی باید با تمام وجود من موثر باشد اگر راه یابم کمر به خدمت مردم می‌بندم و اگر راه نیابم دیگران رادر این راه کمک می‌کنم. در مورد جبهه‌ی اگر آنها راهشان را درست کنند من بازمم خواهم گرچه تا این لحظات آخر مرا رفت.

آقای بازرگان تبعیض چرا

بقیه از صفحه اول
کشور جمهوری اسلامی ایران اهانت به انقلاب و مردم انقلابی ماست.
گذشته از آن محمد منتظری رسماً اعلام می‌کند که به همراه خود اسناد مهم مملکتی را از کشور خارج کرده، آقای بازرگان امر شخص دیگری چنین عملی را مرتکب شده بود با او چه می‌کردید مگر نه اینکه او را تعویض دادگاه‌های انقلابی می‌دادید پس چرا در مورد محمد منتظری سکوت کرده‌اید؟
وقتی امام خمینی رهبر ما در یکی از سخنان خود تأکید می‌کند که هیچک از افراد خانواده و وابستگان به ایشان حق مداخله در کارهای دولت را ندارند، چرا این قاعده شامل دیگران نمی‌شود؟
محمد منتظری چه مسئولیتی در مملکت دارد و از جانب چه گروهی مأموریت داشت تا با مقام‌های لیبی به مذاکره بشیند
آقای بازرگان شمانضت وزیر منتخب امام و مردم انقلابی ایران هستید چرا از خود قدرت نشان نمی‌دهید.
عمل این انسان ناخلف آیا آغازگر يك سلسله ماجراهای هولناک نخواهد بود.
آیا هر فرد غیر مسئول می‌تواند در امور حیاتی همین دخالت مستقیم کند اگر چنین است پس برای چه انقلاب کردیم.
آیا به این‌سادگی می‌توان امنیت اجتماعی را به خطر انداخت.
پس چرا اسلحه‌ها را جمع می‌کنید؟ بگذارد همه در خانه‌هایشان برای حفظ خانواده‌شان در مقابل تجاوز چپ‌لوگران مسلح باشند.
اگر اعتقاد دارید که باید قانون مورد احترام افراد مملکت بدون استثنا قرار گیرد پس شیخ محمد منتظری را به‌نام مردم ایران بسه پشت میز محاکمه بکشانید.
و براستی حاکمیت ملی را نمایان سازید.

خطر جای دیگری است

بقیه از صفحه اول
آنهاست. و بی‌گمان پاسخی جز آنچه می‌گوید، نمی‌توان توسعه داشت.
اگر يك‌جوا انصاف و صداقت داشته باشیم، يك‌قدم با انقلاب کنار آمده باشیم و يك لحظه به‌واقعیت بیندیشیم، خواهیم دید که بسیاری از مشکلات امروزی ما را کسانی برآوردند که آگاهانه قصد آسیب رساندن به انقلاب و خدشه‌دار کردن آنرا داشته‌اند.
جنجال حجاب را بیاد بیاورید و طولانی شمال تا مرکز را طی می‌کنند و سپس با جنجالی دست‌های مشکوک آنرا دامن می‌زنند و روزنامه‌های آنچنانی با تیرهای درشت و سیاه به‌میان مردم می‌آورد، بازمی‌گردند؟ هدف چیست؟ آیا براستی مشکل بزرگ جامعه‌ی در حال نبرد ما، همین‌هاست که دشمن در لباس دوست و از زبان دوست طرح می‌کند و برسرش می‌هاو به‌پا می‌کنند؟ آیا ما دشمن را، دشمن اصلی انقلاب و ایران را، استعمار شوم و تیزدندان وسیله‌ی رازآیای دواورده‌ایم و به خالک کشانده‌ایم که دانشمندان این جنجال‌ها شده‌ایم؟! آیا این روزنامه‌ها که با هزار آیه و قرآن خود را وفادار به انقلاب و خدمتگزار مردم نام می‌نهند از جان و ایمان ما چه می‌خواهند؟
چطور است که تهدید آمریکا در خلیج فارس، حضور صدام حسین مارک خورده در کنار مرزهای آسوپ زده‌ی ما، جنگ برادر با برادر هیچکدام درخور فریاد حسیق‌طلبی نیست، دلی را نمی‌سوزاند و نگران ایران نمی‌کند آقایان، خانم‌های بسیار بسیار آزادی خواه همدردست چیز بزرگتری در خطر است که گویا دل‌های نازک شما هستند؟ این طراحان سؤال‌بسیای

نظری درباره پیش نویس قانون اساسی

مدونین قانون اساسی بدانند که زبان قانون با زبان مکالمه روزانه و یا محاوره یکسان نیست و انشائش نیز بطریق اولی صورت متفاوت و جدا از منشئات متعارف خواهد داشت و چنین امر و کیفیتی در قوانین همه اقوام و ملل و زبان‌های دیگر نیز مرعی و معمول است و منشأ آن سابقه تاریخی داشته و معلول علتها و عوامل کهن و دیرینه بوده که اهم آنان نشأت و تأسر پاره‌ای قوانین از احکام الهی مندرج در کتب آسمانی است و برخی دیگر ملهم از نظرات حکماء و فلاسفه همچون فلون و ارسطو، و هیچیک از مواخذ و منابع یاد شده، اعم از اقوال انبیاء و یا نظرات حکماء به

مذونین قانون اساسی بدانند که زبان قانون با زبان مکالمه روزانه و یا محاوره یکسان نیست و انشائش نیز بطریق اولی صورت متفاوت و جدا از منشئات متعارف خواهد داشت و چنین امر و کیفیتی در قوانین همه اقوام و ملل و زبان‌های دیگر نیز مرعی و معمول است و منشأ آن سابقه تاریخی داشته و معلول علتها و عوامل کهن و دیرینه بوده که اهم آنان نشأت و تأسر پاره‌ای قوانین از احکام الهی مندرج در کتب آسمانی است و برخی دیگر ملهم از نظرات حکماء و فلاسفه همچون فلون و ارسطو، و هیچیک از مواخذ و منابع یاد شده، اعم از اقوال انبیاء و یا نظرات حکماء به

صبغیان، دکتر معین‌فر، تیمسار ممتاز، برادر بزرگ شهید حسین فاطمی بودند.

دبیرخانه حزب ملت ایران، تشکیلات بنادر و جزایر خلیج فارس - بوشهر با انتشار اعلامیه‌ای از مردم قهرمان بوشهر دعوت نمود تا در آئین بزرگداشت شهیدان سیم تیر شرکت جویند.
روز شنبه سیم تیرماه از ساعت ۶ بعدازظهر گروه گروه مردم قدرشناس به

آقای بازرگان تبعیض چرا

بقیه از صفحه اول
کشور جمهوری اسلامی ایران اهانت به انقلاب و مردم انقلابی ماست.
گذشته از آن محمد منتظری رسماً اعلام می‌کند که به همراه خود اسناد مهم مملکتی را از کشور خارج کرده، آقای بازرگان امر شخص دیگری چنین عملی را مرتکب شده بود با او چه می‌کردید مگر نه اینکه او را تعویض دادگاه‌های انقلابی می‌دادید پس چرا در مورد محمد منتظری سکوت کرده‌اید؟
وقتی امام خمینی رهبر ما در یکی از سخنان خود تأکید می‌کند که هیچک از افراد خانواده و وابستگان به ایشان حق مداخله در کارهای دولت را ندارند، چرا این قاعده شامل دیگران نمی‌شود؟
محمد منتظری چه مسئولیتی در مملکت دارد و از جانب چه گروهی مأموریت داشت تا با مقام‌های لیبی به مذاکره بشیند
آقای بازرگان شمانضت وزیر منتخب امام و مردم انقلابی ایران هستید چرا از خود قدرت نشان نمی‌دهید.
عمل این انسان ناخلف آیا آغازگر يك سلسله ماجراهای هولناک نخواهد بود.
آیا هر فرد غیر مسئول می‌تواند در امور حیاتی همین دخالت مستقیم کند اگر چنین است پس برای چه انقلاب کردیم.
آیا به این‌سادگی می‌توان امنیت اجتماعی را به خطر انداخت.
پس چرا اسلحه‌ها را جمع می‌کنید؟ بگذارد همه در خانه‌هایشان برای حفظ خانواده‌شان در مقابل تجاوز چپ‌لوگران مسلح باشند.
اگر اعتقاد دارید که باید قانون مورد احترام افراد مملکت بدون استثنا قرار گیرد پس شیخ محمد منتظری را به‌نام مردم ایران بسه پشت میز محاکمه بکشانید.
و براستی حاکمیت ملی را نمایان سازید.

نظری درباره پیش نویس قانون اساسی

مدونین قانون اساسی بدانند که زبان قانون با زبان مکالمه روزانه و یا محاوره یکسان نیست و انشائش نیز بطریق اولی صورت متفاوت و جدا از منشئات متعارف خواهد داشت و چنین امر و کیفیتی در قوانین همه اقوام و ملل و زبان‌های دیگر نیز مرعی و معمول است و منشأ آن سابقه تاریخی داشته و معلول علتها و عوامل کهن و دیرینه بوده که اهم آنان نشأت و تأسر پاره‌ای قوانین از احکام الهی مندرج در کتب آسمانی است و برخی دیگر ملهم از نظرات حکماء و فلاسفه همچون فلون و ارسطو، و هیچیک از مواخذ و منابع یاد شده، اعم از اقوال انبیاء و یا نظرات حکماء به

صبغیان، دکتر معین‌فر، تیمسار ممتاز، برادر بزرگ شهید حسین فاطمی بودند.

دبیرخانه حزب ملت ایران، تشکیلات بنادر و جزایر خلیج فارس - بوشهر با انتشار اعلامیه‌ای از مردم قهرمان بوشهر دعوت نمود تا در آئین بزرگداشت شهیدان سیم تیر شرکت جویند.
روز شنبه سیم تیرماه از ساعت ۶ بعدازظهر گروه گروه مردم قدرشناس به

آئین با شکوه سی تیر

بقیه از صفحه ۲
پس از پایان سخنان خان جهانفر، رژه سیاسی ملی آغاز شد، گروه‌های مختلف بی‌هیچگونه نشانی از ویژگی‌های خود، تنها با شاخه‌های گل از مزار شهیدان سیم تیر گذر کردند و بر مزار شهید دکتر حسین فاطمی به نشان احترام قلبی خود لفظاتی توقف کردند. درگیری گروهی که گوشش داشتند با آدم و پلاکاره به سخن

ادامه توطئه‌ها ...

بقیه از صفحه اول
حاکمه بود
هنگامی که دم از فضای باز سیاسی زده شد مردم آنرا بفضای سبز سیاسی برای جریدن بیشتر مصادر امور تعبیر کردند و وقتی این تعبیر به واقعیت پیوست و جانشان بلب آمد قیام کردند ، کشته شدند و کشته دادند تا بدروغ گویان ثابت کنند که دیگر فریب آنها را نخواهند خورد و تمسیق نخواهند شد . این حالت بدینی نسبت به دستگاه حاکم با وجود پیروزی انقلاب که فقط در اثر یاداری رهبر آن و امید بدرگون شدن جو دروغ و تزویر به نتیجه رسیده بود در ضمیر ناخودآگاه مردم باقی ماند منتسبا درک و شناخت مردم از قدرت انقلابی خود و ایمان به صداقت و یابردی رهبر انقلاب و اینکه باید به حکومت برگزیده خود وقت کافی برای اثبات صداقتش داده شود مردم امیدوار را بسکوت درمقابل وعده ها واداشت . وحدت شعار انقلابی ، استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی شعار وحدت مردم شد و تمام گروه‌های مردم برای بدست آوردن استقلال و آزادی در تحت لوای جمهوری اسلامی اختلافات مسلکی و عقیدتی خود را کنار گذاشتند و یکپارچه و با وحدتی که تاریخ هیچ ملتی نظیر آنرا بیاد ندارد برای تحقق بخشیدن به آنچه از حق خود می دانستند و بارها از طرف رهبری مترقی انقلاب بسما و دشمنان تأیید شده بود خود را در دست دراختیار انقلاب گذاشتند . هنوز دقیقاً معلوم نشده که سیاست‌های پشت پرده بوسیله چه

مسأله حجاب چرا به آن نحو در جامعه مطرح شد

بزرگی میروند که وقت گرانبایش بایستی صرف حل مشکلات حیاتی مین گردد و مسائلی با او در میان می‌گذرانند که اندک توجه به‌نوع تفکر و زندگی و مقام مذهبی آن بزرگوار قبل از طرح سؤال خود پاسخگوی دعوت می‌کردند من عملاً استعفا نداده‌ام، من متعلق به فرد یازدهی نیستم من متعلق به ملت ایرانم و نهفت ملی هم موجب ملت ایران است و منظور عالی نهفت ملی این انقلاب اسلامی است به رهبری آیت‌الله‌العظمی امام خمینی انجام گرفته که بجای ندارد آنها که به‌تقوا و پاکیزگی و صلوات و خلوص نیت امام‌اعتماد دارند هرگز نباید در راه نفاق و جدایی فکر کنند.